

## پرونده ویژه: فرهنگ عزاداری

علی کیا و عبدالرضا آتشین صدف

پایش سبک، پرونده ویژه این شماره را به بررسی فرهنگ عزاداری و آسیب‌های آن پرداخته است. در این شماره، می‌توان پاسخ سوالهای زیر را یافت. مولف‌های عزاداری صحیح چیست؟ عزاداری از چه آسیب‌هایی رنج می‌برد؟ تحریف در عزاداری بر چند قسم است و چگونه صورت می‌پذیرد؟ مداحی در دوره حاضر با چه معضلات و آسیب‌هایی روبروست؟ بایسته‌های عزاداری از نگاه مقام معظم رهبری چیست؟ خرافه چیست و خرافه‌گرایی کدام است؟ عوامل ایجاد و گسترش خرافه و گرایش مردم به سمت خرافات چه بوده است؟ قمه زنی به عنوان یکی از آسیب‌های عزاداری در دوره معاصر چه سابقه‌ای دارد و از چه جهاتی به تخریب نقش عزاداری می‌پردازد؟

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

## مفهوم‌شناسی

«عزا» در لغت به معنای «صبر و شکیبایی بر هر چیزی که انسان از دست می‌دهد» و نیز به معنای «خوب صبر کردن»، «صبر کردن در مصیبت» و «سوگ و مصیبت» است. در عربی «عَزَيْتَ فُلَانًا» یعنی او را دلداری و تسلی دادم، و «أَحْسَنَ اللَّهُ عَزَاكَ» یعنی خداوند تو را صبر نیک دهد؛

بر این اساس «عزاداری» مراسمی است که برای آرامش بخشیدن به فرد یا افراد داغ‌دیده برگزار می‌شود. برای عزاداری روش‌های متعددی کاربرد دارد: همدردی زبانی با فرد داغ‌دیده، گریه کردن همراه با فرد داغ‌دیده، شنیدن غم و غصه‌های فرد داغ‌دیده، یادآوری داغ‌های دیگران به ویژه داغ‌های بزرگان دینی و تاریخی و... در جوامع مختلف عزاداری معمولاً در قالب مراسم جمعی، در چند مرحله زمانی (سوم، هفتم، چهلم و...) و با آدابی مخصوص برگزار می‌شود و روی هم رفته تأثیر بسیار شگرفی در آرامش بخشیدن به افراد داغ‌دیده دارد؛ افزون بر مراسم عزاداری دو عامل «گذشت زمان» و «فراموشی» به یاری فرد داغ‌دیده می‌آید و اندک‌اندک او را از هیجان‌های ناشی از غم‌دیدگی می‌رهاند. معمولاً بعد از مدتی مراسم عزاداری متوقف می‌شود و تنها برای بزرگداشت و یاد بود فرد متوفی مراسمی برپا می‌شود. روشن است که نقش مراسم یادبود در آرامش بازماندگان بسیار اندک و نقش آن در زنده نگاه داشتن نام و یاد فرد در گذشته بسیار فراوان است. از این رو برگزاری مراسم بزرگداشت و یادبود برای بزرگان

دینی، ملی و دانشمندان، حتی پس از گذشت زمان دراز از فقدان آنها، کاری بسیار رایج است.

عزاداران امام حسین (علیه السلام) با حضور در مراسم عزاداری آن حضرت خویشتن را مصیبت‌زده و داغ‌دار حادثه خونین عاشورا می‌یابند و گریه و شیون سر داده، بی تاب می‌شوند. عزاداری امام حسین (علیه السلام) گرچه به گونه‌ای است که شرکت‌کنندگان در آن غمبار و گریان می‌شوند، اما تأثیرات روانی بسیار مطلوبی دارد. شرکت‌کنندگان در عزاداری امام حسین (علیه السلام) آرامشی ویژه و لذتی خاص احساس می‌کنند و اگر غمی بر چهره آنان می‌نشیند، غمی متفاوت از غم و غصه‌های زندگی روزمره است؛ غم معنویت، غم آخرت و غم مظلومیت که منشأ حرکت است و کنشگری اجتماعی افراد را افزایش می‌دهد، نه کاهش عامل نابهنجار در زندگی افراد نمی‌شود، بلکه در مواردی نقش درمانی ایفا می‌کند، و به زندگی نشاط می‌بخشد؛ کسانی که حضور در مجالس عزاداری امام حسین (علیه السلام) را تجربه کرده‌اند، هرگز از تکرار و استمرار آن دل‌زده نمی‌شوند؛ بی‌گمان در هیچ مجلس یاد بود و بزرگداشت دیگری، وضع بدین گونه نیست.

## منابع

- ۱ ابن منظور، لسان العرب، تصحیح ابن محمد عبدالوهاب و محمد الصالح العسقلانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶.
- ۲ علی‌اکبر دهخدا، لغتنامه دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- ۳ محمد کلویی، «روان‌شناسی عزاداری»، تعلیم اخلاقی و عرفانی امام حسین (علیه السلام)، تهران: مرکز چاپ و نشر مجمع جهانی اهل بیت (علیه السلام)، انتشارات نشر شاهد، ۱۳۸۱.
- ۴ احمد بن محمد بن علی المقرئ القیومی، المصباح المنیر فی معرفة تاریخ الهجرة، ۱۴۰۵ ق.

## کارکردهای عزاداری

عزاداری امام حسین (علیه السلام) آثار، فواید و کارکردهای بسیار مهمی در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی داشته است. بی‌گمان شناخت این کارکردها سبب می‌شود تا ما نسبت به «چرایی عزاداری برای امام حسین (علیه السلام)» تأمل ژرف‌تری داشته باشیم.

### یکم) زنده نگاه داشتن نهضت عاشورا

عزاداری برای امام حسین (علیه السلام)، در مهم‌ترین کارکرد خود، سبب شده است تا یاد، نام و پیام‌های نهضت عاشورا زنده و جاوید بماند و آموزه‌های آن به همه بشریت انتقال یابد. از طریق عزاداری همه انسان‌ها - مسلمان و نامسلمان - در طول تاریخ با آموزه‌هایی همچون ستم‌ستیزی، آزادی، شهادت‌طلبی، ایثار و حقیقت‌جویی آشنا شده‌اند. در این باره این سخن از یک نویسنده غربی بسیار جالب توجه است: «اگر مورخان ما حقیقت این روز (عاشورا) را می‌دانستند و درک می‌کردند که عاشورا چه روزی است، این عزاداری را مجنونانه نمی‌پنداشتند؛ زیرا پیروان حسینی به واسطه عزاداری حسینی می‌دانند که پستی و زیردستی و استعمار و استثمار را نباید قبول کرد؛ زیرا شعار پیشرو و آقای آنها ندانن تن به زیر بار ظلم و ستم بود.»<sup>۱</sup>

### دوم) معرفی الگوهای راستین و ایجاد پیوند عمیق عاطفی با آنان

عزاداران حسینی با شرکت در مراسم عزای امام

۱. لسان العرب، ج ۹، ص ۱۹۵-۱۹۶. ۲. لغتنامه دهخدا، ج ۱۰، ص ۱۳۹۸۴. ۳. لسان العرب، ج ۹، ص ۱۹۵-۱۹۶ و المصباح المنیر، ص ۴۰۸. ۴. روان‌شناسی عزاداری، ص ۳۴۶-۳۴۷. ۵. روان‌شناسی عزاداری، ص ۳۲۶-۳۲۷. ۶. همان‌جا، ص ۳۵۰-۳۵۱. ۷. این مقاله اقتباسی است از فلسفه عزاداری و گریه برای امام حسین، حامد منتظری مقدم، ص ۱۱۸-۱۱۲. ۸. سید عبدالکریم هاشمی‌زاده، درسی که حسین (ع) به انسان‌ها آموخت، ص ۴۵۱.

حسین (علیه السلام) و یاران با وفایش با شخصیت و عظمت روحی آنان آشنا می شوند و آنان را انسان های کاملی می یابند که واجد صفات پسندیده صبر، وفا، استقامت، و از خودگذشتگی اند و هر یک الگو و أسوه نیکی هاینند. مهم تر اینکه عزاداران به یاد مظلومیت و مصیبت ایشان به سوگ می نشینند، می گریند، و بر سر و سینه می زنند و از این طریق شناخت خود را نسبت به آنان با پیوندی عاطفی، استحکام می بخشند.

از طرف دیگر عزاداران با دشمنان امام حسین (علیه السلام)، یزید و یزیدیان، نیز آشنا می شوند و نسبت به آنان عمیقاً نفرت پیدا می کنند. بنابراین عزاداری امام حسین (علیه السلام) در عمل، به تحقق «تولی» و «تبری» می انجامد و فرصتی می شود تا عزاداران در خطاب به مقتدای خود، اعلام کنند: «أَتَى سَلْمٌ لِمَنْ سَأَلَكُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَ وُلَى لِمَنْ وَالَاكُمْ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ»؛ من، با کسانی که با شما در آشتی و صلح باشند، آشتی ام؛ و با کسانی که با شما در ستیز و جنگ باشند، در ستیزم؛ و با کسانی که شما را دوست بدانند، دوستم؛ و با کسانی که شما را دشمن بدانند دشمنم.

### سوم) تعلیم معارف دینی

مجالس عزاداری امام حسین (علیه السلام) فرصتی بسیار ارزشمند به دست می دهد تا واعظان و خطیبان به بیان احکام و مباحث شرعی، اخلاقی و اعتقادی بپردازند و عزاداران حسینی را با معارف دینی آشنا کنند بر این اساس همان گونه که در



محرم سال ۶۱ هجری امام حسین (علیه السلام) برای احیای دین قیام کرد، مراسم عزاداری او نیز، در طول تاریخ، بستری شد برای اجرایی دین و ترویج معارف آن.

### چهارم) ایجاد معنویت در جامعه

شرکت در عزاداری امام حسین (علیه السلام) آرامش و لذت خاصی به عزاداران می بخشد. این آرامش ناشی از فضای ویژه ای است که در این گونه مجالس به وجود می آید. در این مجالس، سخن از دیانت، حقیقت و مظلومیت با اشک و سوز همراه می شود و جان های خسته از زندگی روزمره را دگرگون می کند. در نتیجه، عزاداران احساس پاکی، سبک باری،

لطف و معنویت می کنند. این حالات خود می تواند بیانگر نوعی از تزکیه و پالایش روحی باشد که با شرکت در مجالس عزای حسینی به دست می آید. سزاوار است که عزاداران خارج از مجالس عزای نیز مراقبت اعمال خود باشند تا رشد معنوی آنان افول نیابد.

این موارد تنها برخی از مهم ترین کارکردها و آثار عزاداری امام حسین (علیه السلام) است. اهمیت موارد یادشده بر همگان روشن است. بی شک می توان ریشه تردیدها و انکارهایی را که نسبت به برپایی عزاداری برای امام حسین (علیه السلام) انجام می شود، در خصومت با همین آثار و کارکردها یافت. امام خمینی (ره) در این باره هشدار داده، می فرماید: «آن

۱- عبارتی است از «زیارت امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا» (رک: کامل الزیارات، ص ۳۲۰).  
 ۲- یکی دیگر از موارد مهم نقش عزاداری امام حسین (علیه السلام) در ترویج مذهب تشیع است. اثر (روزقه، خاورشناس فرانسوی، در کتاب «اسلام و مسلمانان» در فصل «شعبه و سیرفت های خیره کننده آن» به این امر اذعان کرده است (فلسفه شهادت و عزاداری امام حسین، ص ۹۲-۹۷).

روژه‌های سنتی و آن مصیبت‌ها را زنده نگاه دارید که برکاتی که به ما می‌رسد از آنهاست؛ این برکات از کربلاست. کربلا و نام مبارک سیدالشهدا را زنده نگه دارید که با زنده بودن او اسلام زنده نگه داشته می‌شود». همچنین می‌فرماید: «روژه سیدالشهدا برای حفظ مکتب سیدالشهدا است. آن کسانی که می‌گویند روژه سیدالشهدا را نخوانید، اصلاً نمی‌فهمند مکتب سیدالشهدا چه بوده و نمی‌دانند یعنی چه؛ این گریه‌ها و این روزه‌ها این مکتب را حفظ کرده است!»

\*\*\*\*\*

باز این پیشواست که خلق عالم است  
باز این پوچه پوچه با چشم است

باز این چشم‌پوش است که بر زمین است  
بی‌شعشع خواریتش عظم است

### دوره‌های عزاداری امام حسین (علیه السلام)

مراسم عزاداری امام حسین (علیه السلام) بعد از شهادت آن حضرت به چند دوره تاریخی تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از:

#### یکم) نخستین عزاداری امام حسین (علیه السلام)

بی‌شک نخستین کسانی که در شهادت امام حسین (علیه السلام) به عزاداری پرداختند، اهل بیت آن حضرت و بنی‌هاشم بودند. شروع عزاداری آن

حضرت بلافاصله بعد از شهادت آن جناب در سرزمین کربلا بود.

همچنین تعدادی از شخصیت‌های بزرگ جهان اسلام در همان روزهای نخستین شهادت امام حسین (علیه السلام) تحت تأثیر مظلومیت آن حضرت قرار گرفته، به مرثیه‌سرایی پرداختند و یاب‌ه شکل دیگری به سوگواری و اظهار اندوه و همدردی پرداختند، از آن جمله جابر بن عبدالله انصاری، یار وفادار پیامبر (ص)، در نخستین اربعین شهادت امام حسین (علیه السلام) زائر قبر آن حضرت بود و بر سر تربت آن سخت گریست. خالد بن معدان، که از بزرگان تابعان بود و در شام زندگی می‌کرد، وقتی که سر امام حسین (علیه السلام) را بالای نیزه دید طاقتش تمام شد و یک ماه از مردم کناره‌گیری کرد و بعد از اینکه دوستانش او را یافتند این اشعار را سرود:



#### منبع

۱. جعفر بن محمد بن قولویه القمی، کامل‌الزیارات.
۲. سید شرف‌الدین عاملی، فلسفه شهادت و عزاداری حسین بن علی (علیه السلام)، ترجمه علی صحت، انتشارات مرتضوی، ۱۳۵۱.
۳. صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره)، تهران، تهیه و تدوین انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱-۶۹.
۴. سید عبدالکریم هاشمی نژاد، درسی که حسین به انسانها آموخت، تهران، نشر فراهانی، ۱۳۵۱، چاپ سوم.
۵. حامد منتظری مقدم، فلسفه عزاداری و گریه برای امام حسین (ع)، نشریه معرفت، ش ۹۸، بهمن ۱۳۸۴، ص ۱۱۸-۱۱۲.

۱. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۲. ۲. همان، ج ۸، ص ۶۹. ۳. مدار التعمه، ص ۲۳.

جاؤوا برأسک یابن بنت محمد  
مترماً بدمائه ترمیلا  
وکانما بک یا ابن بنت محمد  
قتلوا چهاراً عامدین رسولا  
قتلوا عطشاناً و لماً یرقبوا  
فی قتلک التاویل و التنزیلا  
ویکبرون بأن قتلت و انما  
قتلوا بک التکبیر و التهلیل<sup>۱</sup>

### دوم) عزاداری امام حسین (علیه السلام) در عصر ائمه (علیه السلام)

در عصر امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) دولت اموی رو به ضعف گذارده بود و در نهایت به وسیله نیروهای عباسیان بر افتاد دولت عباسی نیز تازه روی کار آمده بود و هنوز مخالفتش را با شیعیان و خاندان پیامبر (ص) بروز نداده بود؛ در نتیجه عزاداری امام حسین (علیه السلام) به عنوان یک مراسم دینی سالیانه رواج یافت. ولی با قدرت گرفتن عباسیان و مخالفت شدید آنان با شیعیان و مظاهر تشیع عزاداری امام حسین (علیه السلام) نیز از گسترش بازماند، تا آنجا که حتی متوکل عباسی قبر امام حسین (علیه السلام) را خراب کرد و از زیارت قبر آن حضرت جلوگیری نمود. این وضع تا زمان امام رضا (علیه السلام) که جو مناسبی برای شیعیان پیش آمد برقرار بود.

به نظر می رسد در رواج و گسترش عزاداری در عصر ائمه (علیهما السلام) حداقل دو عامل مؤثر بوده است.

الف) اقدام عملی ائمه اطهار (علیهم السلام) امامان معصوم (علیهم السلام) پیوسته بر جد بزرگوارشان می گریستند و در ایام محرم محزون و غمگین بودند و می کوشیدند تا برای امام حسین (علیه السلام) مجالس عزاداری برپا کنند. شیخ مفید در "مسار الشیعه" نقل کرده که در روز عاشورا امام صادق (علیه السلام) مجلس عزا برپا و از خوردن و نوشیدن خودداری می کرد، تا اینکه ظهر می شد، آنگاه مانند مصیبت زده ها غذای اندکی، مثل شیر، می خورد و غذای للقدید تناول نمی کرد. امام رضا (علیه السلام) درباره گرامی داشتن سالگرد شهادت امام حسین (علیه السلام) به وسیله پدرش امام کاظم (علیه السلام) می فرماید: «وقتی که ماه محرم فرا می رسید، پدرم شاد دیده نمی شد و پیوسته غمگین بود، تا اینکه ده روز می گذشت و روز دهم محرم می رسید. این روز روز مصیبت و غم و اندوه او بود و می فرمود: این روز، روزی است که حسین (علیه السلام) در آن شهید شد».<sup>۲</sup>

در عصر امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) به جهت فرصت مناسبی که پیش آمده بود، مجالس عزا به صورت دسته جمعی در بیت شریف و در حضور امام برگزار می شد و شاعران و مداحان اشعاری را در مرثیه امام حسین (علیه السلام) می خواندند.

در عصر امام صادق (علیه السلام) عزاداری امام حسین (علیه السلام) بیش از هر زمانی رونق گرفت. امام صادق (علیه السلام) می فرمود: «امام حسین (علیه السلام) به عزادار خود می نگرد و برای او طلب مغفرت

من گریه می کنی، اگر از اجر و پاداشی که خدا به تو می دهد، آگاه شوی، شادیت بیش از اندوهت می شود». در اثر تشویق های آن جناب عزاداری امام حسین (علیه السلام) به مناطق شیعه نشین نیز کشیده شد؛ چنان که وقتی ابوهارون مکفوف در حضور امام صادق (علیه السلام) شروع به مرثیه سرایی کرد، امام فرمود: «ای اباهارون! همان گونه که در میان خود [یعنی شهر رقه] می خوانید، اینجا نیز همان گونه بخوان».<sup>۳</sup>

امام رضا (علیه السلام) در تمام دهه محرم محزون و غمگین بود و مجلس عزاداری و مرثیه سرایی ترتیب می داد و اگر شاعر یا مرثیه سرایی حضور داشت به او می فرمود اشعاری در مرثیه امام حسین (علیه السلام) بسراید؛ در غیر این صورت خودش مصائب جدش را ذکر می کرد.

در قرن سوم هجری، یعنی بعد از عصر امام رضا (علیه السلام)، ائمه اطهار (علیهم السلام) بیشتر اوقات در تقیه به سر می بردند و امکان برپا کردن مجالس عزاداری امام حسین (علیه السلام) برای آنان مهیا نبود. با گذشت زمان این مراسم در میان شیعیان رونق و گسترش یافت و عده ای در امر مرثیه سرایی مهارت کافی کسب کردند و برخی دیگر در این زمینه شهرت یافتند. در اوایل قرن چهارم هجری، یعنی از اواخر غیبت صغری، مرثیه گویی به نام خلب مشهور بود که به دست حنابله بغداد کشته شد. همچنین در عصر معزالدوله از نوحه گری به نام ابن اصدق سخن به میان آمده است.<sup>۴</sup>

۱. ای سر دختر محمد ص! سر تو را آغشته به خون آوردند ای سر دختر محمد ص! یا آشکار کشتن تو مثل اینکه می خواستند از پیامبر انتقام بگیرند. تو راسته کشتند و نابول و نزل قرآن را درباره قتل تو رعایت نکردند. از اینکه تو کشته شدی، شادی کرده، تکبیر می گویند، در حالی که با کشتن تو در واقع تکبیر و تهلیل را نیز کشتند. ۲. تاریخ طبری، ج ۵، ص ۳۱۲. ۳. مسار السعد، ص ۲۳. ۴. وسائل السعد، ج ۱۰، ص ۳۹۴. ۵. کامل الزیارات، ص ۱۱۱. ۶. همان، ص ۱۱۲. ۷. النور و المعاصر، ج ۲، ص ۱۳۴. ۸. کامل الزیارات، ص ۲۳۲-۲۳۰.

ب) توصیه‌ها و تشویق‌های ائمه اطهار (علیهم السلام): ائمه اطهار (علیهم السلام) به شیعیان سفارش می‌کردند که در روز عاشورا از کسب و کار دست بکشند و حالت غم و عزابه خود بگیرند؛ چنان‌که امام رضا (علیه السلام) فرموده است: «هر کس در روز عاشورا در بر آوردن حوائج خود نکوشد، خدا در دنیا و آخرت حوائج او را برآورده می‌کند و هر کس روز عاشورا را روز اندوه و گریه خود قرار دهد، خدای تعالی روز قیامت را روز شادی و سرور او قرار می‌دهد و هر کس روز عاشورا را روز برکت (کسب و به دست آوردن پول) نماید و در این روز مال دنیا ذخیره کند، خدا برکت را از او برمی‌دارد».

توصیه‌های ائمه اطهار (علیهم السلام) جهت برپایی عزای امام حسین (علیه السلام) به چند شکل بود:

۱) روایاتی که درباره ثواب گریستن و اشک ریختن بر امام حسین (علیه السلام) وارد شده است.

۲) روایاتی که درباره ثواب سرودن شعر و گریاندن مردم در مصیبت امام حسین (علیه السلام) وارد شده است.

۳) توصیه ائمه اطهار (علیه السلام) جهت برپا کردن مجلس عزای امام حسین (علیه السلام) در خانه‌های شیعیان

### سوم) عزاداری در عصر آل بویه

یکی از مهم‌ترین مراحل عزاداری امام حسین (علیه السلام) بعد از قدرت یافتن سلسله آل بویه در قرن چهارم هجری، یعنی دوره اوج گسترش تشیع، است. در این قرن حکومت‌هایی شیعی مانند علویان طبرستان، زیدیان یمن، حمدانیان در شمال عراق، فاطمیان در مصر و آل بویه در عراق و ایران روی کار آمدند. عزاداری امام حسین (علیه السلام) برای نخستین بار در این قرن، در قلمرو حکومت آل بویه و تحت حمایت آنان به صورت علنی و عمومی در کوچه و بازار برگزار شد. عموم مورخان اسلامی، به خصوص مورخانی که وقایع را به ترتیب سنواتی نوشته‌اند، در ضمن وقایع سال ۳۵۲ هجری و سال‌های بعد از آن کیفیت عزاداری شیعه را در روز عاشورا نوشته‌اند. ابن جوزی گفته است: «در سال ۳۵۲ هجری معزالدوله دیلمی دستور داد، مردم در روز عاشورا جمع شوند و اطهار حزن کنند؛ در این روز بازارها بسته شد و خرید و فروش موقوف گردید؛ قصابان گوسفند ذبح نکردند، هر یسه پزها هر یسه (حلیم) نپختند، مردم آب ننوشیدند و در بازارها خیمه برپا کردند و به رسم عزاداری کرباس آویختند؛ زنان به سر و روی خود می‌زدند و بر حسین ندبه می‌کردند».

با توجه به اینکه قرن چهارم اوج گسترش تشیع بود و حکومت‌های شیعی در اکثر مناطق جهان اسلام از جمله ایران، عراق، یمن، شام، مصر و طبرستان گسترده بودند، این دستور معزالدوله به طور گسترده از سوی مناطق شیعه نشین، به خصوص بغداد، با استقبال روبه‌رو شد. از جمله سیف‌الدوله حمدانی - از حاکمان سلسله شیعی حمدانیان - در قلمرو حکومت خویش، در شمال عراق، در این سال دستور عزاداری عمومی برای امام حسین (علیه السلام) صادر کرد. همچنین حاکمان فاطمی مصر، با اینکه با آل بویه رقیب بودند، از روش آنان پیروی کردند و در روز عاشورا، عزاداری عمومی را برای امام حسین (علیه السلام) مرسوم کردند. بعد از این زمان برپایی عزاداری امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا به سرعت در میان شیعیان گسترش یافت و از جمله مهم‌ترین شعائر شیعی گشت.

در عصر آل بویه هرگاه عاشورا یا عید نوروز یا جشن مهرگان مصادف می‌شد، انجام مراسم عید را به تأخیر می‌انداختند؛ حنبلیان بغداد، به جهت کثرت شیعیان و حمایت آل بویه، نتوانستند از برپایی این مراسم جلوگیری کنند؛ اگر چه عکس‌العمل‌هایی داشتند که گاهی خیلی شدید بود؛ از جمله حنابله برای دشمنی با شیعیان روز هجدهم محرم، یعنی



روز قتل مصعب بن زبیر، را عزامی گرفتند؛ حتی در سال ۳۶۳ هجری حنابله بغداد به گفته ابن کثیر - که خود سنی متعصبی است و با شیعه دشمنی کرده - جاهلان سنی دسته ای به راه انداختند و گفتند: «با اصحاب علی می جنگیم». که در این فتنه تعدادی از طرفین کشته شدند؛ گاهی امیران آل بویه برای جلوگیری از فتنه های حنابله، مجبور می شدند دستور دهند، مراسم عزاداری عاشورا تعطیل شود، از جمله در سال ۳۶۷ هجری عضالدوله دستور توقف عزاداری در روز عاشورا را صادر کرد.

بعد از زوال سلسله آل بویه، حنابله بغداد با یاری سلجوقیان، که جایگزین آل بویه شده بودند، از اهل سنت حمایت می کردند، نسبت به عزاداری امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا سخت گیری کردند و شعارهای شیعه را از مساجد پاک کردند و دستور دادند در محله کرخ بغداد در اذان به جای «حی علی خیر العمل»، «الصلوة خیر من النوم» گفته شود؛ آزار و اذیت حنابله به حدی شدت یافت که شیخ طوسی، عالم بزرگ شیعی، در سال ۴۴۸ هجری مجبور شد، بغداد را ترک کرده، به نجف اشرف مهاجرت کند؛ به تدریج و با گذشت زمان از تعصب سنی ها کاسته شد و به همزیستی مسالمت آمیز با شیعیان روی آوردند و حتی عزاداری روز عاشورا به میان آنان نیز راه یافت.

در عصر آل بویه مرثیه سرایی و سرودن اشعار، که قدیمی ترین شکل سوگواری امام حسین (علیه السلام) به شمار می رود، گسترش یافت و شاعران بسیاری در مظلومیت سید الشهداء (علیه السلام) به مرثیه سرایی پرداختند. پتر چلووسکی در این باره می گوید: «مرثیه نخستین قالب بیان تعزیه بود». در همین بستر در قرن پنجم و ششم منقبت خوانی به وجود آمد و مناقب خوانان در مجامع عمومی اشعاری را در فضیلت و منقبت ائمه اطهار (علیهم السلام) و مظلومیت و مرثی امام حسین (علیه السلام) قرائت می کردند.

**مقتل خوانی:** از قرن چهارم شکل دیگری از مرثیه سرایی در کنار سرودن اشعار گسترش یافت که عبارت بود از بیان مظلومیت شهیدان کربلا در قالب نثر. تألیف کتاب های فراوان مقتل در این راستا بوده است. با توجه به اینکه این گونه کتاب ها صرفاً جنبه تاریخی نداشتند و گریاندن هم از انگیزه های تألیف آنها بوده است - شاهد آن آوردن احادیثی است که در ثواب و فضیلت گریه بر امام حسین (علیه السلام) وارد شده است - از این رو واعظان در روز عاشورا در منابر ذکر مصیبت امام حسین (علیه السلام) را می کرده اند. این کار مختص شیعه نبود و عالمان اهل سنت نیز در روز عاشورا مصیبت امام حسین (علیه السلام) را ذکر می کردند. البته این شکل از مرثیه سرایی را

می توان در امتداد قصه گوئی دانست که در قرون نخستین متداول بوده است.

**دسته سینه زنی:** دسته های سینه زنی شکل جدید عزاداری بود که در عصر آل بویه به مراسم سوگواری امام حسین (علیه السلام) افزوده شد. معز الدوله در سال ۳۵۲ شمسی دستور داد، روز عاشورا تعطیل شود. شیعیان به صورت دسته جمعی یا حالت غم و اندوه به سر و روی خویش کاه و خاکستر می پاشیدند، به سر و سینه می زدند، اشعاری در عزای امام حسین (علیه السلام) می خواندند و خیابان های شهرها را می گشتند. همچنین در این روز مردم از تهیه غذا برای خویش خودداری می کردند و نیکوکاران احسان و اطعام می دادند. تنها آلتی که از آن در این نوع دسته ها نام برده شده طبل است.

### چهارم: عزاداری امام حسین (علیه السلام) بعد از عصر آل بویه

مراسم عزاداری امام حسین (علیه السلام) بعد از عصر آل بویه در روز عاشورا در مناطق شیعه نشین به طور جدی رواج داشته است. از این رو از قرن ششم به بعد کتاب های زیادی در موضوع مقتل و شهادت امام حسین (علیه السلام) نوشته شد که انگیزه نگارش آنها تنها بیان وقایع تاریخی نبود. نویسندگان این کتابها



بیشتر رونق مراسم عزاداری و سوگواری امام حسین (علیه السلام) را در نظر داشته‌اند. در کتاب‌هایی همچون مقتل الحسین خوارزمی (۵۶۸ هـ) و درر السحط فی خبر السبط قضاعی (۶۵۸ هـ) مرثیه‌های منشور امام حسین (علیه السلام) آمده است. همچنین سیدبن طاووس (۶۶۴ هـ) کتاب خود، «اللّهوف علی قتلی الطفوف»، که به معنای حزن و اندوه بر کشتگان طف است را با بحث درباره ثواب گریستن بر اهل بیت (علیه السلام)، به خصوص امام حسین (علیه السلام)، شروع کرده است.

از قرن چهارم شکل دیگری از مرثیه سرایی در کنار سرودن اشعار گسترش یافت که عبارت بود از بیان مظلومیت شهیدان کربلا در قالب نثر

از قرن پنجم به بعد کسانی پیدا شدند که در کوچه، بازار، مسجد و مدرسه فضایل و مناقب خاندان پیامبر (ص) را می‌خواندند و مظلومیت آنان، به ویژه امام حسین (علیه السلام)، را ذکر می‌کردند که به آنان مناقب‌خوان<sup>۱</sup> و بعدها مناج می‌گفتند.<sup>۲</sup>

اگر چه پیش از روی کار آمدن آل بویه برخی از گروه‌های متعصب اهل سنت به پیروی از بنی امیه و نواصب (ناصبی‌ها) نسبت به عزاداری امام حسین (علیه السلام) عکس‌العمل‌های منفی داشتند و این عکس‌العمل‌ها در عصر آل بویه در قالب درگیری‌های بسیاری، که در روز عاشورا میان حنابله و شیعیان روی می‌داد، بروز می‌کرد.<sup>۳</sup> ولی به تدریج به دلیل جایگاه خاندان پیامبر و

و علاقه اهل سنت به سادات سوگواری امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا به میان آنان نیز راه یافت.

تقرب به اهل بیت (علیه السلام) در میان اهل سنت متأثر از تمایل عالمان بزرگ اهل سنت به محبت اهل بیت (علیهم السلام) است.

### ششم) عزاداری امام حسین (علیه السلام) در عصر صفوی

در عصر صفوی مراسم عزاداری و سوگواری امام حسین (علیه السلام) وارد مرحله جدیدی شد. شاهان صفوی نه تنها خود شیعه و علاقه‌مند به خاندان پیامبر (ص) بودند، بلکه خود را ملزم به ترویج مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و اشاعه مذهب شیعه می‌دانستند. یاد و ذکر شهادت امام حسین (علیه السلام)، به عنوان یکی از شعائر و نمودهای مهم تشیع، در این عصر به رشد و شکوفایی چشم‌گیری رسید و تقریباً به مرحله تکامل خود پا نهاد.<sup>۴</sup>

در این عصر عزاداری امام حسین (علیه السلام) به تمام مناطق قلمرو حکومت صفویان، حتی روستاها نیز کشیده شد. در حالی که قبل از آن در برخی از مناطق همچون اصفهان، که متعصبان اهل سنت در اکثریت بودند، برپایی این مراسم میسر نبود.<sup>۵</sup>

وجود ندارد. (البته از عصر امام صادق (علیه السلام) شیعیان عراق در روزهایی غیر از عاشورا، که روایاتی در فضیلت زیارت امام حسین (علیه السلام) در آن روزها وارد شده، در کربلا و کنار قبر آن حضرت به عزاداری می‌پرداختند.)

از زمان صفویه به بعد تکیه‌ها، حسینیه‌ها و موقوفات مربوط به عزاداری امام حسین (علیه السلام) در ایران شکل گرفت. یکی دیگر از زمینه‌های سوگواری امام حسین (علیه السلام) در این عصر وجود طریقت‌های صوفی بود. برای صفویان قلباش، که قدرت سیاسی و نظامی نیز داشتند، دهه محرم بستر خوبی بود که ریاضت‌های صوفیانه را در قالب سوگواری امام حسین (علیه السلام) جلوه‌گر کنند.

عزاداری در عصر صفویه به شکل‌های زیر بوده است: الف) روضه‌خوانی: واژه روضه و عنوان روضه‌خوانی در اوایل عصر صفوی پدید آمد و پیش از آن، این اصطلاح وجود نداشت. روضه‌خوانان در عصر صفوی کار مناقب‌خوانان، مداحان و مرثیه‌سرایان گذشته را انجام می‌دادند. از سوی دیگر جای قصه‌گویان و مقتل‌خوانان و حتی واعظان را هم گرفته بودند.

از این زمان به بعد وعظ و خطابه و مرثیه‌سرایی در وجود روضه‌خوانان جمع شد و آنان با در آمیختن نظم و نثر مردم را به گریه وامی‌داشتند. اینان از میان تحصیل‌کردگان علوم دینی بودند.

ب) دسته‌های سینه‌زنی:

راه افتادن دسته‌های سینه‌زنی از زمان آل بویه در میان شیعیان رایج گردید. در عصر صفوی نیز دسته‌های سینه‌زنی با خواندن اشعار با آهنگ یکنواخت -

۱. آل بویه نخستین سلسله قدرتمند شیعی، ص ۲۵۵. ۲. بدایع الوقایع، ج ۲، ص ۲۲۷ و ۲۲۹. ۳. البدایه و النهایه، ج ۱۱، ص ۲۷۵ و ۲۸۹ و ۳۳۲ و ج ۱۲، ص ۲. ۴. ابن بطوطه الرحله، ص ۲۱۴. ۵. کامل‌الزیارات، ج ۱، ص ۲۰۰-۱۸۶.



که در سوگ امام حسین (علیه السلام) سروده شده بود - در کوچه ها و خیابان ها می گشتند. در این عصر برای افزایش هیجان مردم و هر چه شکوهمندتر شدن دسته های عزاداری نواختن طبل و کوبیدن سنج معمول گردید و ادوات جنگی - که در میدان رزم کاربرد داشت - به این گونه مجالس راه یافت. شیپور زنی، علم گردانی، حرکت دادن کتل و گردانیدن مرکب بدون راکب در میادین عمومی و معابر در هنگام عزاداری از سنت های رایج این عصر به شمار می آید!

از جمله چیزهایی که بعد از این عصر به دسته های سینه زنی اضافه شد، خون آلود کردن سر و صورت با تیغ و قمه زدن به فرق سر بود. با توجه به گزارش هایی که در عصر قاجار موجود است، این عمل در آن زمان معمول بوده است؛ به احتمال زیاد در ابتدا این عمل از سوی صوفیان و درویشان انجام می گرفته است.

ج) تعزیه و شبیه خوانی:

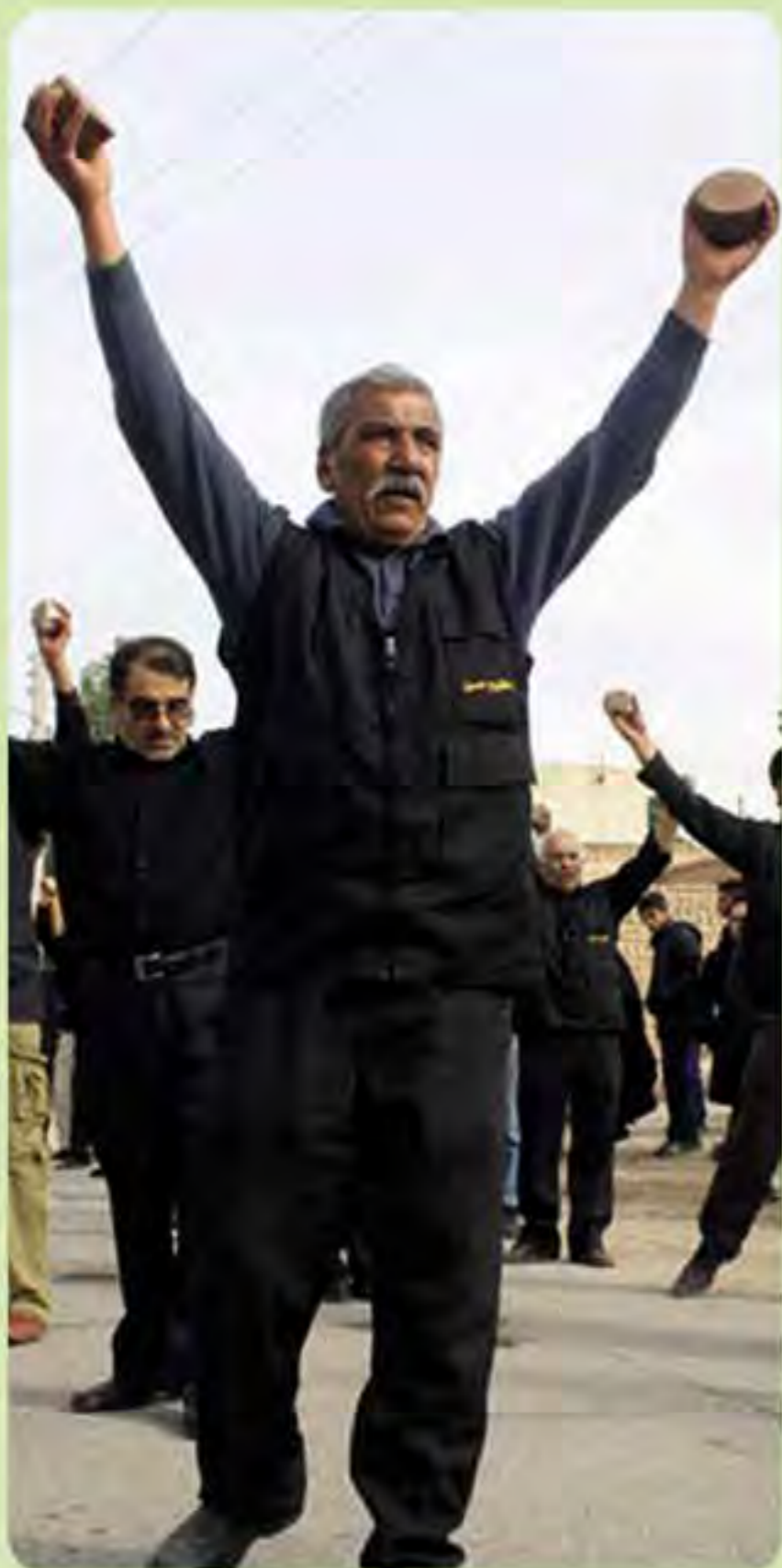
با توجه به گزارش هایی که از سوی سفرنامه نویسان از شکل عزاداری عصر صفوی در دست است، می توان گفت که تعزیه و شبیه خوانی در عصر صفوی به عنوان شکل مستقلی از عزاداری و سوگواری ایام محرم در کنار دسته های سینه زنی، مطرح نبوده است، بلکه در مراحل مقدماتی و ابتدایی قرار داشته است. در سفرنامه پیترو دلاوله در عصر شاه عباس آمده است: «پس از اینکه روز دهم ماه محرم، یعنی روز قتل، فرا رسید، از تمام اطراف و محلات اصفهان، و به طوری که قبلاً به مناسبت روز قتل علی (علیه السلام)



توصیف کردم، دسته های بزرگی به راه می افتد که به همان نحو بیرق و علم با خود حمل می کنند و بر روی اسب های آنان سلاح های مختلف و عمامه های متعدد قرار دارد و به علاوه چندین شتر نیز همراه دسته ها هستند که بر روی آنها جعبه هایی حمل می شود که درون هر یک چند بچه به علامت بچه های اسیر حسین شهید قرار دارند. علاوه بر آن، دسته ها هر یک به حمل تابوت هایی می پردازند که دور تا دور آنها مخمل سیاه رنگی پیچیده شده و روی آنها یک عمامه که احياناً به رنگ سبز است و همچنین یک شمشیر جای داده اند»<sup>۲</sup>. همچنین در سفرنامه تاورنیه، که در عصر شاه صفی،

به ایران آمده، از اسب های بی سوار و عمارت هایی که طفلی در آن به علامت جناب علی اصغر خوابیده در دسته های عزاداری ذکر به میان آمده، که به نحوی به هدف ترسیم عینی واقعه کربلا انجام می گرفته است؛ درباره اینکه تعزیه به صورت تکامل یافته امروزی از چه زمانی معمول گشته نصرالله فلسفی می نویسد: «تعزیه خوانی ظاهراً در زمان شاه عباس و جانشینان او هنوز در ایران مرسوم نبوده؛ زیرا در هیچ یک از تواریخ و سفرنامه های این زمان نامی از آن برده نشده است. برپا ساختن مجالس تعزیه از زمان پادشاهی کریم خان زند متداول شد. نوشته اند که در عهد وی سفیری از فرنگستان به ایران آمد و در خدمت آن

۱- تعزیه هنر بومی ایران، ص ۱۰. ۲- ایران و ایرانشان، ص ۲۸۴. ۳- پیترو دلاوله، پیشین، ص ۱۲۵. ۴- تاورنیه، پیشین، ص ۴۱۶.



## منابع

۱. ابن بطوطه، رحله، دار الکتب العلمیه بیروت.
۲. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، قم، مؤسسه انتشارات علامه
۳. ابن قولویه، جعفر بن محمد بن قولویه القمی، کامل الزیارات، مکتبه الصدوق، ۱۳۷۵ ق.
۴. ابن کثیر، البدایه و النهایه، منشورات مکتبه المعارف، بیروت، ۱۴۰۸.
۵. ابو المحاسن تغری بردی اتابکی، النجوم الزاهره فی ملوک مصر و قاهره، مصر، افسس دار الکتب.
۶. پتروچلو کوفسکی، تعزیه هنر بومی ایران، ترجمه داوود حاتمی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۱، ۱۳۶۷ ش.
۷. تنوخی، فاضی ابوعلی، النشور و المحاضره، بیروت، ۱۳۹۱.
۸. حر العاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، تهران المکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۳ ق.
۹. رازی، عبدالجلیل: التخص.
۱۰. زندگانی شاه عباس اول، انتشارات علمی.
۱۱. س - ج و - بنجامین، ایران و ایرانیان، ترجمه مهندس محمد حسین کردیچه، سازمان انتشارات جاویدان، ج ۱، ۱۳۶۳ ش.
۱۲. شیخ مفید، مسار الشیعه، المؤتمر العالمی لاقیبه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ ق.
۱۳. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری (تاریخ الامم و الملوک)، بیروت دار الکتب العلمیه.
۱۴. فقیهی، علی اصغر، ال بویه نخستین سلسله قدرتمند شیعه، چاپخانه دیبا، چاپ ۳.
۱۵. ناصری، عبدالحمید تشیع در خراسان عهد تیموریان، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۸ ق.
۱۶. واصفی، زین الدین محمود، بنایع الوقایع، انتشارات بنیاد فرهنگی ایران، چاپ ۱۳۴۹، ۲ ش.



پادشاه شرقی در تعریف تأثرهای حزن انگیز بیان کرد و کریم خان پس از شنیدن بیانات وی دستور داد که صحنه هایی از وقایع کربلا و سرگذشت هفتاد و دو تن راساختند و از آن حوادث غم انگیز مذهبی نمایش هایی ترتیب دادند که به تعزیه معروف گشت.<sup>۱</sup>

تعزیه نخست در چهارراه ها و میادین انجام می شد و بعدها به بازارها، کاروانسراها، منازل شخصی و تکیه هایی که در عصر قاجار ایجاد شدند کشیده شد. تعزیه در دوره قاجار هم از نظر محتوا و کیفیت و نحوه برگزاری و هم از نظر محل برپایی به تکامل رسید.<sup>۲</sup>



## پیشینه عزاداری در اسلام

عزاداری برای شهدا در اسلام سابقه ای دیرین دارد و از اخبار و گزارش های تاریخی چنین برمی آید که پیامبر (ص) نیز آن را تأیید کرده، در برگزاری آن همت می گماشت. ابن هشام می نویسد بعد از اتمام جنگ احد که رسول خدا (ص) به خانه خود می رفت، عبورش به محله بنی عبدالاشهل و بنی ظفر افتاد و صدای زنان آنها - که بر کشتگان شان گریه می کردند - به گوش آن حضرت خورد و موجب شد که اشک بر صورت ایشان نیز جاری گردد و در پی آن بفرماید: «ولی کسی نیست که بر حمزه بگرید».

سعد بن معاذ و اسید بن حضیر (رؤسای قبیله بنی عبدالاشهل) پس از آگاهی از این موضوع، زمانی که به خانه های خود بازگشتند، به زنان قبیله خود دستور دادند لباس عزا بپوشند و به در مسجد بروند و در آنجا برای حمزه اقامه عزا و ماتم کنند. رسول خدا (ص) صدای گریه آنها را شنید، از خانه خویش (که جنب مسجد بود) بیرون آمده، از آنها سپاسگزاری کرد و فرمود: «به خانه های خود بازگردید، خدایتان رحمت کند که به خوبی موااسات خود را انجام دادید»<sup>۱</sup>.

پیامبر در شهادت جعفر طیار نیز هم خود گریست و هم برای عزاداران، که در خانه او گرد آمده بودند، غذا تهیه کرد. هنگامی که پیامبر (ص) رحلت فرمودند مردم مدینه، از زن و مرد، به گریه و ندبه پرداختند<sup>۲</sup>. در شهادت علی (علیه السلام) نیز فرزندان آن حضرت و مردم کوفه به شدت می گریستند<sup>۳</sup> و هنگامی که

امام حسن (علیه السلام) به شهادت رسید برادرش محمد حنفیه مرثیه و نوحه سرایی کرد.<sup>۴</sup>

باشهادت امام حسین (علیه السلام) و یارانش در محرم سال ۶۱ قمری عزاداری وارد مرحله ای جدید شد و در گسترده ای وسیع تر از جهان اسلام برگزار گردید، با این تفاوت که دیگر تنها گریه و ندبه برای از دست دادن عزیز یا عزیزان نبود، بلکه از یک سو به ابزاری قاطع برای مبارزه با ستمگران و غاصبان تبدیل شد و از سوی دیگر تبیین کننده، حافظ و حامل اسلام راستین گردید. از این رو ائمه طاهرین (علیهم السلام) در اقامه و اشاعه آن از هیچ کوششی دریغ نکردند.



### منابع

۱. عبدالملک ابن هشام حمیری، سیره النبویه، ترجمه سید هاشم رسولی، انتشارات کتابفروشی اسلامیه
۲. شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، چاپخانه احمدی، ۱۳۶۸ ش.
۳. ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.

## اشکال، شیوه ها و آیین عزاداری در ایران

### یکم) پرده خوانی

پرده خوانی، هنری از هنرهای نمایشی عامه است که به نقل واقعه های مذهبی، به ویژه واقعه عاشورا، از روی تصاویر نقاشی شده روی پرده اختصاص دارد. پرده خوانی را «شمایل گردانی»، «پرده داری» و «پرده گردانی» نیز می گویند؛ در پرده خوانی نقلی که پرده خوان نامیده می شود، یا بیانی رسا و آهنگین داستان واقعه های مجالس پرده را شرح می دهد.

پیشینه تاریخی پرده خوانی را می توان به نوعی نقلی همراه با موسیقی و آواز در دوره های پیش از اسلام مربوط دانست که پس از ورود اسلام به ایران، به دلیل محدودیت های موسیقی، به نوعی نقلی ملی - مذهبی تغییر یافته است، به ویژه در زمان صفویه که انواع نقلی مذهبی (روضه خوانی، پرده داری، صورت خوانی و سخنوری) شکل گرفت.<sup>۵</sup> برخی موقعیت تاریخی پرده خوانی را حد فاصل گذار از برگزاری مراسم عزاداری عمومی ماه محرم در دوران صفویه به برگزاری نمایش مذهبی تعزیه در دوران قاجاریه و یکی از منابع تحول و تکامل تعزیه دانسته اند.<sup>۶</sup> برخی دیگر نقوش پرده را ترجمان نمایش تعزیه در قالب هنرهای دیداری و ره آورد تعزیه می دانند.<sup>۷</sup>

پرده خوانی در عصر صفوی، با رونق گرفتن نقاشی های پرده، متداول شد و به صورت شمایل نگاری بر روی پرده، دیوار، شیشه و کتاب در آمد.<sup>۸</sup> پرده خوانی در عصر قاجار رونق بیشتری یافت و پرده خوانی و شمایل گردانی به مجموعه آیین های مراسم سوگواری افزوده شد که در مکان های متبرکی مانند

۱- سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۱۲۲. ۲- همان، ج ۲، ص ۲۵۲. ۳- همان، ج ۲، ص ۳۶۸. ۴- منتهی الآمال، ص ۲۱۱ و ۲۲۰ و ۲۲۳. ۵- مروج الذهب، ج ۲، ص ۲. ۶- ادبیات نمایشی در ایران، ص ۱۳۵، بازیابی یک تعزیه، ص ۷۳؛ تهران قدیم، ص ۳۳۱. ۷- بازیابی یک تعزیه، ص ۷۱-۶۰. ۸- هنر مقدس صورت خوانی، ص ۶۴؛ ادبیات نمایشی در ایران، ص ۵۴. ۹- بترسون، ص ۱۱۵؛ هنر مقدس صورت خوانی، ص ۶۴. ۱۰- نمایش در لرستان از آیین تا سال ۱۳۷۰، ص ۴۵.



امام زاده‌ها و زیارتگاه‌ها برپا می‌شد. رفته رفته در تمام ایام سال پرده‌خوانان در محل تجمع و گذر مردم، مانند میدان‌ها، چهارسوها و سرگذرها، پرده می‌گشودند و پرده‌خوانی می‌کردند.

ساختار پرده‌خوانی بر دو رکن پرده و پرده‌خوان استوار است. پرده پارچه‌ای است که یک یا چند رخداد مصیبت‌بار خاندان پیامبر (ص) بر آن نقش بسته است. جنس پرده‌ها از «متقال» و «کریاس» و اندازه آنها معمولاً ۵/۱ در ۳ متر است. در ایام سوگواری در مساجد یا مجالس روضه‌خوانی، پرده‌هایی نصب می‌کردند که وقایع عاشورا را نشان میداد و روضه‌خوانان گاهی به تصاویر وقایع عاشورا بر روی پرده اشاره می‌کردند. تصاویر مجالس، فشرده و در کنار یکدیگر قرار دارند و از نظر موضوعی کم و بیش به یکدیگر مرتبط هستند. موضوع اصلی این نقش‌ها واقعه کربلا و حوادث پیش و پس از آن بوده، اما رفته رفته داستان‌های اخلاقی پندآموز مانند جوانمرد قصاب و عاق والدین نیز به آنها افزوده شده است. معمولاً به لحاظ قداست عدد ۷۲ ارتباط آن با واقعه کربلا در هر پرده ۷۲ مجلس فرعی و اصلی وجود دارد.<sup>۱</sup>

نقش سیمای اولیا بر پرده متفاوت است: پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (علیه السلام) در هاله‌ای از نور یا در نقاب تجلی می‌یابند و برخی فرزندان و یاری کنندگان ایشان بدون هاله نور و نقاب، با رنگ‌های متناسب باورهای مذهبی و زیبا نقش می‌گیرند و غالباً در مرکز پرده قرار دارند. در مقابل، اشقیای بسیار زشت و حتی هیولاگونه ترسیم می‌شوند. اسب‌ها نیز با توجه به شخصیت صاحبانشان نقش می‌گیرند. چهره زنان



کربلا گاهی محو و گاهی زیر پوشش پنهان است. اشخاص و وقایع هر مجلس با چند کلمه و یا جمله‌ای کوتاه روی پرده معرفی شده‌اند.<sup>۲</sup> نقاشان این پرده‌ها با بهره‌گیری از باورهای عامه توسط نقش و رنگ‌ها تضاد میان اولیا و اشقیای را نشان می‌دادند؛ مثلاً رنگ سبز را به نشانه تقدس و رنگ سرخ را به علامت ستمگری به کار می‌بردند و از درختان و حیوانات همچون نمادهایی استفاده می‌کردند.<sup>۳</sup> مراحل کار پرده‌خوان به ترتیب عبارت است از: پیش‌واقعه‌خوانی، مناجات و فضایل‌خوانی، مناقب‌خوانی، خطبه‌خوانی و نقل قصه و حدیث است. در پایان پرده‌خوان، با لحنی سوزناک، گریزی به صحرای کربلا می‌زند و به نوحه و ندبه می‌پردازد. گرچه پرده‌خوانان با نیت ثواب بردن و ثواب رساندن و تحریک احساسات مذهبی تماشاگران به پرده‌خوانی می‌پردازند، لیکن از راه پرده‌خوانی کسب معاش

نیز می‌کنند. از این رو، در پایان هر مجلس پولی به رسم تبرک از مردم دریافت می‌کنند.<sup>۴</sup>

### دوم) شمایل‌نگاری

شمایل‌نگاری مذهبی در ایران بر اساس مضامین برگرفته از تاریخ مذهبی شیعی از اواخر دوره آل بویه (۳۲۰-۴۴۸ ق) معمول بوده و در دوره صفوی در میان مردم شیعه ایران به طور چشم‌گیری شیوع یافت و به صورت شمایل‌نگاری روی دیوار و پرده و مصور کردن کتاب نمودار شد.

از آن زمان به بعد سنت نقاشی روی دیوار در میان تصویرگران عامه رواج بیشتری یافت. شمایل‌گران تصاویر قدسیان و معصومان و وقایع مصیبت‌بار کربلا را روی دیوارهای ایوان، حرم اماکن مقدس، زیارتگاه

۱. هنر مقدس صورت خوانی، ص ۵۶. ۲. تعزیه و موسیقی، ص ۱۹۵. ۳. هنر مقدس صورت خوانی، ص ۵۸. ۴. سبک، ص ۱۹۶، تعزیه و موسیقی، ص ۲۰۰، هنر مقدس صورت خوانی، ص ۶۰. ۵. تعزیه و هنرهای مربوط به آن، ص ۱۱۹، تعزیه و موسیقی، ص ۱۹۹، تعزیه در ایران، ص ۲۸. ۶. تعزیه در ایران، ص ۲۸. ۷. هنر مقدس صورت خوانی، ص ۶۰. ۸. از صبا تا نیما، ص ۳۴۴، هنر مقدس صورت خوانی، ص ۶۲.

سقاخانه ها و آب انبارها نقاشی می کردند، اکنون نیز آثار فراوانی از این دسته دیوارنگاره های شمایل سازان دوره صفوی در دیوار رواق ها و ایوان های برخی از امامزادگان و مزارهای شخصیت های دینی - مذهبی پراکنده در شهرها و روستاهای ایران وجود دارد؛ امامزاده زید در اصفهان نمونه برجسته و گویای آن است.

هنگامی که نوحه خوان نوحه سرایی آغاز کند، نوحه گران اغلب به سینه زنی و گاه زنجیرزنی و حتی قمه زنی می پردازند.

از اواخر دوره صفوی به این سو، عزاداری در روز عاشورا و به نمایش در آوردن وقایع روز کربلا صورت جدی تر و واقعی تری یافت. از آن پس شیعیان ایران در دسته های عزاداری عاشورا شبیه هایی از شخصیت های مقدس مذهبی و شهیدان کربلا را در محله ها و گذرگاه ها می گرداندند. هر یک از این شبیه ها، پیاده یا سواره، روی اربه یا چهار چرخه، شرح مصائب شهیدان و اهل بیت امام حسین (علیه السلام) را با سخنانی منظوم می خواندند. رفته رفته شبیه گردانی ها و نمایش ها بر روی وسایل رونده تحول یافت و به صورت نمایش آیینی - مذهبی، شبیه خوانی یا تعزیه خوانی، و میدانی یا صحنه ای در آمد.

#### سوم) سپاه پوش شدن و حضور در مجالس

در ماه های محرم و صفر عزاداری و سوگواری در تمام شهرهای ایران به اشکال مختلف برگزار می شود.

پوشیدن جامه عزاء که معمولاً سیاه، کبود یا نیلی است، از شایع ترین رفتار در این مدت است. در تمام ایام این دو ماه، مردم در خانه های مسکونی و همچنین تکیه ها و حسینیه های کوچک و بزرگ با برپا کردن چادر به روضه خوانی، برپایی تعزیه، اطعام مساکین و... می پردازند و هر کس به نسبت توان خود به گونه ای در این مراسم و نیز تقبل هزینه های آن شرکت می جوید.

#### چهارم) روضه خوانی

عمومی کردن سوگواری امام حسین (علیه السلام) که قربانی ستم امویان گردید، به زمانی مربوط می شود که ایرانیان و هواخواهان علی (علیه السلام) برای ستاندن قدرت علیه خلیفه شوریده بودند. معزالدوله دیلمی در سال ۳۵۱ قمری (۹۶۲م) تعزیت را در سطح عمومی برقرار ساخت. ابراز همدردی و شرکت دسته جمعی در نمایش حزن انگیز در سرنوشت حسین (علیه السلام)، جزء لاینفک مراسم سوگواری بود. واژه روضه خوانی و عنوان روضه خوانی در اوایل عصر صفوی پدید آمد و پیش از آن این اصطلاح وجود نداشت. روضه خوانان در عصر صفوی کار مناقب خوانان، مداحان و مرثیه سرایان گذشته را انجام می دادند. از سوی دیگر جای قصه گوینان و مقتل خوانان و حتی واعظان را هم گرفته بودند. از این زمان به بعد وعظ و خطابه و مرثیه سرایی در وجود روضه خوانان جمع شد و آنان با درهم آمیختن نظم و نثر مردم را به گریه وامی داشتند.

#### پنجم) نوحه

نوحه در لغت به معنی مویه و زنجمره و در اصطلاح ادبی شعری است که در سوگ تازه مرده یا امامان (علیه السلام) بخوانند. مردمی ترین شکل از شعر عاشورا نوحه است. نوحه گونه ای مرثیه است که آهنگی ویژه دارد و شناخته ترین جولانگاه آن آیین های عزاداری، به ویژه مراسم سوگواری امام حسین (علیه السلام)، است. آنکه نوحه می خواند نوحه خوان یا نوحه سرا نام دارد. هنگامی که نوحه خوان نوحه سرایی آغاز کند، نوحه گران اغلب به سینه زنی و گاه زنجیرزنی و حتی قمه زنی می پردازند. خاستگاه یا گسترش نوحه و نوحه خوانی را باید دوره صفویه (۹۰۷-۱۱۴۸ ق) دانست؛ اما تا پیش از دوره قاجاریه (۱۱۹۳-۱۳۴۴ ق) دیوان اشعاری که شامل نوحه های جدی باشد، یافت نمی شود. ارتباط نوحه با موسیقی از روضه بیشتر است؛ زیرا اشعار نوحه که برای سینه زنی سروده می شود دارای ریتم و وزن به خصوصی است که با آهنگ بعضی از گوشه های آواز ایرانی اجرا می گردند و غالباً حالت تصنیف به خود می گیرند. نوحه عامل بسیار بزرگی برای نگهداری و اشاعه موسیقی ملی ما بوده است.<sup>۲</sup> میرزا تقی خان امیرکبیر نیز توجه خاصی بدان معطوف کرد و حتی بعضی از شعرا را وادار نمود که اشعاری برای تعزیه بسرایند.

نوحه و نوحه سرایی در دوره پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۵۷ ش) از رونق افتاد و در واقع سرکوب شد. سرکوبگری این نوع مراسم، نتیجه مخالفت رضاشاه با برگزاری این نوع آیین ها و مذهب ستیزی او بود.

۱. عاشورا در شعر معاصر و فرهنگ عامه، ص ۲۹۶. ۲. شناسایی موسیقی ایرانی، ص ۲۸.



وی که پیش تر به منظور جلب توجه مردم پیشاپیش دسته های نوحه خوان و عزادار حرکت می کرد و نمایش های دینی به راه می انداخت، با به قدرت رسیدن یا به واسطه تحولی که در او پیدا شد، با نوحه خوانی و راه انداختن دسته های سینه زنی و زنجیرزنی به مخالفت برخاست.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی؛ به ویژه در سال های جنگ ایران و عراق، نوحه و نوحه خوانی دوباره شکوفا شد و بالید. این بار جولانگاه نوحه و نوحه سرایی - جدا از مراسم و آیین های دینی و سوگواری - شب های عملیات جنگی بود. مهم ترین هدف از برگزاری این نوع مراسم، تقویت روحیه جنگی و پالایش روح رزمندگان و ایجاد حس هم دلی با عاشوراییان بود. تعدادی از

نوحه سرایان دو دهه اخیر با عنایت به رسالت خود و تأثیر شگرف نوحه ها در مخاطبان و رویکرد جدی به مفاهیم ارزشی، موجبات تطور محتوایی نوحه های عاشورایی را فراهم آورده اند.

#### ششم) تابوت واره

شیعیان جهان، به ویژه شیعیان ایران، در مراسم سالگرد شهادت شهیدان دینی خود صندوق آرایه بندی شده ای را در دسته های عزا می گردانند که اگر چه تابوت نیست، اما مظهر و نمادی از تابوت شهید به شمار می آید. این تابوت های نمادین را که از آنها به «تابوت واره» تعبیر می شود، به شکل های گوناگون و شبیه به صندوق گور، ضریح و گنبد و بارگاه

می سازند و در حوزه های جغرافیایی مختلف ایران به نام های نخل، حجله، شیدونه، دغدغه، شش گوشه، نهر علقمه، شط فرات و ... می نامند. برخی از این تابوت واره ها فقط به نواحی خاصی از ایران اختصاص دارد.

#### هفتم) طشت گردانی

از دیگر مراسم سنتی در بعضی از شهرهای ایران، از جمله اردبیل، «طشت گردانی» است. در این مراسم طشت های آب را در مساجد و حسینیه ها می آورند که نشانه ای از فرات است. از سه روز مانده به محرم در مسجد جامع، مسجد اعظم و سپس در مساجد دیگر طشت هایی را بالای سر می گیرند و مسجد را دور می زنند و سپس داخل آنها آب می ریزند. مردم دست به طشت و آب آن می زنند، که به معنای نوعی بیعت با امام حسین (علیه السلام) و حمایت از حضرت عباس (علیه السلام) است. آب طشت ها را مردم در شیشه هایی برای شفا و تبرک برمی دارند. این سنت از حادثه جوائمردانه آب دادن امام حسین (علیه السلام) به سپاه خَر در روز بیست و هفتم ماه ذی الحجه گرفته شده است که آب مشک ها را در طشت ها ریختند و تمام لشکر خَر و اسبان آنها را سیراب کردند. نشانه ها و مظاهر مثل طشت آب و چند ساقه گیاه که نماد رودخانه و نخلستان است، نشان میدهد که در تعزیه عاشورا استفاده از سمبلها رواج داشته و دارد.

## هشتم) حمل عَلم، کُتل، بیرق، پنجه و توغ

برای دسته‌گردانی هر محله عَلم یا علامت مخصوص به خود را داشته است که از علم‌های محله‌های دیگر متمایز بوده و هنگام عزاداری اهل محل به دنبال آن به راه می‌افتادند و سینه‌زنی و نوحه‌خوانی می‌کردند. عَلم پرچمی است که در مراسم دینی حمل می‌شود و از قطعه‌ای پارچه منقوش به نشانی خاص و یا رنگی خاص که معمولاً به میله‌ای آویخته می‌شود، تشکیل شده است. در گذشته گاهی از پوست به جای پارچه استفاده می‌شد. در فارسی به عَلم نشان هم گفته می‌شود. کلماتی چون بیرق، درفش، پرچم، رایت، لوا، علامت و بند نیز در زبان‌های فارسی عربی و ترکی به همین معنا به کار رفته است. در برخی از متون تاریخی اسلام پیامبر اکرم (ص) «حامل لوا در روز رستاخیز» نامیده شده است.<sup>۱</sup> امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) خود را «اهل لوا» نامیده است، که بر اهمیت و احترام پرچم یا عَلم در میان مسلمانان دلالت دارد.<sup>۲</sup>

در جنگ‌های صدر اسلام عَلم کاربرد گسترده‌ای داشت. مسلمانان برای برافراشته نگه داشتن و حفظ لوا اهمیت بسیاری قائل بودند. معمولاً برای هر جنگ لوابی مخصوص وجود داشت و به دست کسی سپرده می‌شد که یا فرماندهی بر عهده او بود، یا از دیگران دلاوری بیشتری داشت و یا از فضیلت و برتری ویژه‌ای برخوردار بود.

حمل علم در مراسم دینی محرم از دوران آل بویه در ایران رایج شد و از دوران صفویه مراسم محرم و علم‌کشی رواج بیشتری یافته، رسمی شد و در مراسم



آیینی سینه‌زنی و تعزیه مورد استفاده قرار گرفت. کُتل عَلم بزرگی است که قسمت فوقانی آن را با پیراهن بی‌آستین مائندی می‌پوشانند، همانند تکیه و متکایی که بر چوب نصب شده باشد، و همراه با علامت و بیرق در مراسم عزاداری حرکت می‌دهند. همچنین به علامت و آسبانی که به شکل مخصوصی در روزهای عزا حرکت دهند، علم و کتل می‌گویند. پنجه، پیکره و نقش دست (از مشت تا سر پنجه انگشت) را از مس، برنج، نقره یا طلا می‌سازند و بر روی کاغذ، پارچه و چیزهای دیگر می‌اندازند و نماد قدرت و قداست یا طلسم یا تعویذ دفع شر و بلا به کار می‌برند. در میان مسلمانان پنجه فلزی یا نقش پنجه مظهر قدرت و نمادی از اولیا انگاشته می‌شود. پنجه

فلزی نصب شده بر سر پرچم‌ها، علم‌ها و علامت‌های چندتیغه در دسته‌های عزاداری را عموم شیعیان مظهری از پنج تن آل عبا و یا نشانی از دست بریده حضرت عباس (علیه السلام) می‌دانند.<sup>۳</sup> و مسلمانان جنوب هند آن را نمادی از دست علی (علیه السلام)، فاطمه (علیها السلام) و عباس عَلم دار می‌دانند. هندیان مسلمان پنجه‌ای را در روزهای اول، سوم، یا چهارم محرم، هنگامی که «عاشورخانه‌ها» را می‌آرایند، کنار عَلم می‌گذارند و زیارت می‌کنند. در دیگر کشورهای اسلامی نیز در دسته‌های عزاداری این علامت وجود دارد.<sup>۴</sup>

در دربار ناصرالدین‌شاه روز سوم محرم عَلمی به نام عَلم شاه، که بر سر آن پنجه بزرگ از زر ناب ساخته

۱. البنايه و النهايه، ص ۱۵ نخ العلي، ج ۷، ص ۴۲۳. ۲. بقية الطالب، ج ۵، ص ۲۲۰. ۳. نخل گردانی، ص ۱۰۰.

۴. کد جامعه شناسی و مردم شناسی شیعیان افغانستان، ص ۱۳۰۸، برای حسین از زمان ادم تا زمان ما، ص ۳۶۲، ۳۶۳ نخل گردانی، ص ۲۸ و ۲۹.



شده بود، به اندرون می آوردند و زنان دربار در پای آن عزاداری، سینه‌زنی و نوحه خوانی می کردند. سپس گروهی علم شاه را به حرکت درآورده، به تکیه دولت می بردند و مراسم عزاداری و تعزیه خوانی در پای آن اجرا می گردید. جریده های کاشان همه دارای نشانی از دو دست فلزی یا پنج انگشت هستند. این دو دست یا پنجه را بر سر برگ های دو سوی جریده نصب کرده اند و آنها را مظهر دست های از تن جدا شده حضرت عباس (علیه السلام) می دانند؛ درون جام های برنجی و مسی برخی سقاخانه ها پنجه های فلزی نصب می گردد که نمادی از دو دست سقای کربلا است.

توغ به معنی علم و نشان و از جمله وسایل تزئینی دسته های عزاداری است؛<sup>۱</sup> توغ پایه ای است که بر روی آن یک صندوق و بر روی صندوق، زبانه بلندی قرار دارد؛ شالی نیز بر سر زبانه می بندند و مانند علامات، یک نفر آن را حمل می کند. در گذشته بر سر میله، به جای پرچم، منگوله ای از دم اسب یا پشم و ابریشم می آویختند و برای تعیین مکان گرد آمدن سپاه، از آن استفاده می کردند و گاه پنجه یا گروهه ای زرین یا علامتی سه گوش یا هلال مانند بر سر آن نصب می شد. این توغ را افراد معینی از ساکنان محله ها با آداب و آیین های خاص در شهر به حرکت در می آوردند که حمل آن از امتیازات هر محله محسوب می شد.<sup>۲</sup> مردم عزادار در دسته های سینه زنی و زنجیرزنی وارد تکیه شده، به دنبال آن توغ ها با شور و هیجانی خاص، به همراه شیون و ناله حرکت می کردند و توغ ها را به حالت نیمه افراشته نگه می داشتند. این توغ ها در گیلان و مازندران علم خوانده می شود و سر

سر آن (سر توغ) که بر پایه چوبین نصب شده، در روزهایی غیر از ایام محرم در صندوق نگه داری می شود.<sup>۳</sup> امروزه کلمه پاتوغ (پاتوق) به معنای قرارگاه، میعادگاه و محلی است که کسی در اوقات معینی به آنجا می رود و معمولاً بخشی از بیکاری خود را در آنجا می گذرانند و پاتوق دار کسی است که در پاتوق سمت پیشوایی دارد. در معنای محدودتر، پاتوق دار کارگردان عزاداری های ماه محرم است که علم و کتل و ملزومات عزاداری را نگه داری می کند و غالباً از معتمدان اهل محل است.<sup>۴</sup>

پیشاپیش هر یک از دسته های سوگواری، علاوه بر مقدار زیادی علم، کتل و بیرق، معمولاً علامت هایی نیز حرکت داده می شود و به دنبال آن مردم سوگوار حرکت می کنند و هم صدا با نوحه خوان دم می گیرند و سینه می زنند. هنگام حرکت این گونه دسته های عزاداری عده ای از مردم به ادای نذر خود پرداخته، با چای، نان، شیر، شله زرد و... از عزاداران پذیرایی می کنند و عده ای از افراد در معابر گلاب بر سر افراد عزادار می پاشند. بعد از برگزاری مراسم شام غریبان، سینه زنی و زنجیرزنی در کوچه و خیابان موقتاً تا روز اربعین

۱. یادداشت هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین شاه، ص ۱۰۶. ۲. عزاداری سنتی شمعان در بیروت، ج ۱، ص ۵۵۹. ۳. این واژه به صورت های دیگر نیز تلفظ میشود. ۴. لغت نامه دهخدا، ذیل واژه توغ.  
۵. محرم و نشانه های نمادین، ص ۱۲. ۶. توغ و پاتوغ، ص ۲۲۸. ۷. همو، ص ۲۲۷. ۸. فرهنگ فارسی علمیه، ذیل پاتوق.





دارد. در ایام عاشورا، به صورت دسته جمعی و در هیئت‌های عزاداری، همراه با نوحه خوانی زنجیر را بر پشت می‌زنند و گاهی جای آن کبود یا مجروح می‌شود؛ این مراسم غالباً با سنج‌زنی همراه است. این شیوه عزاداری بود و به ویژه در برخی مناطق و ملت‌ها که تیغ‌هایی هم به زنجیر می‌بستند، در نگاه برخی غیرمسلمانان تأثیر سوء داشت. بنابراین برخی علما به حرمت زنجیر زدن و قمه زدن و خون از سر پشت خویش جاری کردن فتوا دادند، در مقابل، علمای دیگری در پاسخ به استفتاهای مردم حکم به جواز این کار دادند.

### یازدهم) قمه‌زنی

از مراسمی است که در بعضی از شهرستان‌ها و بلاد شیعی توسط برخی از عزاداران امام حسین (علیه السلام) اجرا می‌شود. این کار در تاسی به مجروح و شهید شدن سید الشهداء (علیه السلام) و شهیدان کربلا و اظهار آمادگی برای خون دادن و سر باختن در راه امام حسین (علیه السلام) انجام می‌دهند. در این مراسم صبح روز عاشورا افراد با پوشیدن لباس سفید و بلندی همچون کفن، به صورت دسته جمعی، قمه بر سر می‌زنند تا خون از سر بر صورت و لباس سفید جاری شود. بعضی برای قمه‌زنی نذر می‌کنند، همچنین برخی نذری را درباره کودکان خردسال انجام می‌دهند و بر سر آنان در حدی که از محل آن خون جاری گردد تیغ می‌زنند. قمه‌زنی نیز مثل زنجیرزنی و شبیه خوانی از دیرباز مورد اختلاف نظر علما و پیروان و مقلدین آنان بوده است

دسته گردانی، سینه‌زنی و نوحه خوانی که در زمان صفویه رایج شده و توسعه پیدا کرده بود، در عصر قاجاریه با توسعه و تجمل بیشتر در پایتخت رواج یافت. دسته گردانی در عصر قاجار به ویژه در زمان ناصرالدین‌شاه با آداب و تشریفات و تجمل بسیار برگزار می‌شد. دسته‌های روز با نقاره، موزیک جدید، علم، بیرق، و کتل و دسته‌های شب با طبل‌های جراحی زنبوری، حجله، و مشعل به راه می‌افتادند و در فواصل دسته، سینه‌زن‌ها با آهنگ موزون سینه می‌زدند.

### دهم) زنجیرزنی

زنجیرزنی از سنت‌های عزاداری در ایران است که در پاکستان و هندوستان نیز از دیرباز رواج داشته است. مجموعه‌ای از حلقه‌های ریز متصل به هم که به دسته‌ای چوبی یا فلزی وصل می‌شود «زنجیر» نام

و نیز روز بیست و هشتم صفر که مصادف با چهلمین روز شهادت امام حسین (علیه السلام) و رحلت پیامبر اکرم (ص) و شهادت امام حسن (علیه السلام) است، تعطیل می‌گردد؛ اما روضه‌خوانی تا پایان ماه صفر ادامه دارد.

### نهم) سینه‌زنی

در عزاداری برای سید الشهداء (علیه السلام) و دیگر ائمه مظلوم همراه نوحه خوانی عزاداران بر سر و سینه می‌زنند که به آن سینه‌زنی می‌گویند. به فردی که بر سینه خود زده، عزاداری می‌کند «سینه‌زن» می‌گویند. این سنت در میان عرب‌ها رواج داشته و بعدها به صورت امروزی در آمده است. این گونه نوحه گری ابتدا به صورت فردی بوده، و با مرور زمان به شکل گروهی و دسته‌های سوگواری در آمده.

که بر جواز یا عدم جواز آن حکم کرده‌اند.

### دوازدهم) شور زدن

شور زدن از اصطلاحات خاص عزاداری و نوحه خوانی است که طی آن وقتی سینه‌زن یا زنجیرزن به اوج احساسات خود می‌رسد، آهنگ حرکات و صداها سریع تر و پرشورتر می‌شود و با کلماتی همچون «حسین حسین...» بر سر و سینه می‌زند. گاهی هم کسانی در این حال غش می‌کنند و از خودبی خود می‌شوند. وقتی دسته‌های سینه‌زن و زنجیرزن به حال «شور» می‌رسند، طبل‌ها و سنج‌ها را با شدت بیشتری به صدا درمی‌آورند. این حالت در عزاداری‌های برخی شهرها رایج‌تر است.



### سیزدهم) طبل زنی

طبل نامی عمومی است برای هر یک از سازهای کوبی. این سازها عموماً یک تنه توخالی (معمولاً مخروطی یا استوانه‌ای شکل) دارند و یک یا دو پوست بر یک دهنه یا دو دهنه آن کشیده شده است که با دست یا دست‌های کوچک چوبی نواخته می‌شود. حد و تنوع صدای طبل بستگی به وسعت پوست و مهارت نوازنده دارد. طبل در گذشته برای تحریک روحیه رزمی در میدان‌های جنگ استفاده می‌شد و در کربلا هم طبل جنگ نواخته می‌شد. در تعزیه‌های عاشورا، با نواختن طبل



همه از برگزاری تعزیه خبردار می‌شدند و گرد هم می‌آمدند و شیپور و طبل برای جلب تماشاگر بوده است. در دسته‌های عزاداری نیز همراه سینه‌زنی و زنجیرزنی طبل نواخته می‌شود.

### چهاردهم) سنج

سنج دو صفحه گرد از جنس مسی، روی یا برنج است که دستگیره‌ای در قسمت بیرونی دارد. در دسته‌های عزاداری و زنجیرزنی دو صفحه سنج را به هم می‌زنند و با صدا و آهنگ شور آفرین آن به نوحه خوانی می‌پردازند. به این وسیله «سنج» هم گفته می‌شود.



### منابع

۱. ابن عدیم، عمر، بقیه الطالب، به کوشش زکار، دمشق، ۱۴۰۹ ق.
۲. ابن کثیر دمشقی، عماد الدین اسماعیل، البدایه و النهایه، ج ۱۱، بیروت، مکتبه العارف، ۱۹۹۷ م.
۳. ارین پور، یحیی، از صبا تا نیما، ج ۱، تهران، نشر زواری، ۱۳۷۲
۴. بلو کشبلی، علی، نخل گردانی، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۵. بیضایی، بهران، بازیابی یک تعزیه، بررسی کتاب، ۱۳۴۶.
۶. پترسون، ساموئل، تعزیه و هنرهای مربوط به آن در تعزیه: نیایش و نمایش در ایران، گردآورنده پتر چلکوسفکی، ترجمه: داود حاتمی، تهران، انتشارات علمی، فرهنگی، ۱۳۶۷ ش.
۷. حسن بیگی، محمد رضا، تهران قدیم، تهران، ۱۳۶۶ ش.
۸. دایره المعارف فارسی، غلامحسین مصاحب، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۳ ش.
۹. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران، ۱۳۷۷ ش.
۱۰. ستوده، منوچهر، توغ و پاتوغ، آینده، سال ۱۰، شماره ۴ و ۵، تیر و مرداد، ۱۳۶۳ ش.
۱۱. سیف، هادی، نقاشی قهوه خانه، تهران، ۱۳۶۹ ش.
۱۲. شهرستانی، صالح، عزای حسین از زمان ادم تا زمان ما، تهران، ۱۳۹۳ ق.
۱۳. عنصری، جابر، تعزیه و موسیقی، فصلنامه آهنگ، سال یکم، شماره یکم، پائیز ۱۳۶۷ ش.
۱۴. غریب پور، بهروز، هنر مقدس صورت خوانی پرده خوانی، فصلنامه هنر، دوره جدید، ش ۴، تابستان ۱۳۷۸
۱۵. غریب پور، سیامک، نمایش در لرستان، از آیین تا سال ۱۳۷۰، خرم آباد، ۱۳۷۹ ش.
۱۶. فرهنگ، محمد حسین، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی شیعیان افغانستان، قم، ۱۳۸۰ ش.
۱۷. فقیهی، علی اصغر، تاریخ مذهبی، تاریخ جامع قم، قم، نشر حکمت، بی تا.
۱۸. محمد زاده، مرضیه، عاشورا در شعر معاصر و فرهنگ عامه، تهران، مجتمع فرهنگی عاشورا، ۱۳۸۹ ش.

۱۹. مشحون، حسن، موسیقی مذهبی ایران، سازمان جشن هنر، ۱۳۵۰ ش.
۲۰. معتمدی، حسین، عزاداری سنتی شیعیان در بیروت، علما و حوزه های علمیه و کشورهای جهان، قم، ۱۳۷۸ ش.
۲۱. معیر الممالک، دوستعلی، یادداشتهایی از زندگی خصوصی ناصرالدین شاه، تهران، ۱۳۵۱ ش.
۲۲. مقری، احمد، نفخ الطیب، به کوشش احسان عباس، بیروت، ۱۹۶۸ م.
۲۳. ملک پور، جمشید، ادبیات نمایشی در ایران، تهران، ۱۳۶۳ ش.
۲۴. میرشکرایی، محمد، محرم و نشانه های نمادین، کتاب ماه هنر، سال ۱، شماره ۱۷، فروردین ۱۳۷۸ ش.
۲۵. نجفی، ابوالحسن، فرهنگ فارسی عامیانه تهران، ۱۳۷۸ ش.
۲۶. همایونی، صادق، تعزیه در ایران، شیراز، نشر نوید، ۱۳۶۸ ش.

## آسیب شناسی عزاداری

مجالسی که در تعزیت مصائب آل الله و تکریم اهل بیت (علیهم السلام) برگزار می شود از مغتنم ترین فرصت های تبلیغی و ارشادی جامعه دینی ماست، این مجالس با توجه به پشتوانه اصیل و ریشه دار سنتی می تواند در سطح کلان اثر گذار بوده، به مؤثر ترین تجلی عبادات جمعی و گسترش سنت امر به معروف و نهی از منکر در جهان تشیع تبدیل شود؛ همچنین هر انحرافی در این زمینه نیز به همین میزان حساس و مهم است. از این رو در این بخش سعی داریم به ذکر نمونه هایی از آسیب های موجود در مجالس مختلف عزاداری بپردازیم تا با اصلاح آنها زمینه های تقرب بیشتر به روح معنوی سوگوارهای مذهبی فراهم گردد.

### یکم) تحریف لفظی و معنوی

تحریف همواره یکی از آسیب های جدی ای است که مجالس عزاداری را تحت الشعاع خود قرار داده، گاه محتوای اصلی آن را زیر سؤال می برد. گاه این تحریفات در قالب سخنرانی و کتاب بروز می کند و گاه در قالب شعر، تحریف در لغت به معنای تغییر، تبدیل، کنار نهادن، سوق دادن چیزی به سوی دیگر و به عبارت دیگر دگرگون ساختن یک کلمه به صورتی است که معنای متفاوتی از آن ارائه گردد. تحریف معمولاً به دو صورت اتفاق می افتد: تحریف لفظی و تحریف معنوی. مقصود از تحریف لفظی آن است که مطالبی به

عنوان وقایع تاریخی جعل و به جای رخدادهای واقعی عرضه گردد مانند، نسبت دادن گفته های نادرست به اشخاص، افزودن نام افرادی در یک واقعه و اضافه کردن رخداد مهمی که اصلاً اتفاق نیفتاده است؛ برای نمونه شهید مطهری در کتاب «حماسه حسینی» به ذکر پاره ای از این گونه وقایع جعلی در ماجرای کربلا می پردازد؛ داستان هایی مثل عروسی قاسم (علیه السلام)، ۷۲ ساعت بودن روز عاشورا، حضور لیلا، مادر حضرت علی اکبر (علیه السلام)، در کربلا بر شمردن میلیون لشکریان عمر بن سعد و... از جمله تحریفات لفظی واقعه عاشورا به شمار می رود. تحریف معنوی بدین معنا است که بدون تصرف در لفظ و جعل داستان، متن یک واقعه تاریخی به گونه ای تاویل و تفسیر شود که معنا و مقصود اصلی آن واقعه تغییر یابد؛ برای مثال از نظر شهید مطهری استثنایی و منحصر به فرد دانستن قیام امام (علیه السلام) به عنوان یک دستور محرمانه برای شهادت و نیز این مسئله که شهادت امام حسین (علیه السلام)، مانند به صلیب کشیده شدن حضرت مسیح، کفاره گناهان شیعیان قرار گرفته و باعث آمرزش آنها شده است از تحریفات معنوی قیام مقدس عاشورا است؛ باوری که باعث شده تا فتحعلی شاه در رثای امام حسین (علیه السلام) این گونه بسراید که: **بانا فدای خاک رهش صد هزار جان چون کرد جان به امت عاصی فدا حسین** این امر، که از آن به خرافه گرایی در عزاداری نیز یاد می شود، به دلایل متعددی اتفاق می افتد؛ از آن جمله می توان به تمایل بشر به اسطوره سازی، گریختن



عزاداران به هر وسیله ممکن، عدم دانش کافی، نقل از منابع غیر معتبر، و همچنین وارد کردن انحرافات عمدی از سوی مخالفان اسلام اشاره کرد.

مجالسی که در تعزیت مصائب آل الله و تکریم اهل بیت (علیهم السلام) برگزار می شود از مغتنم ترین فرصت های تبلیغی و ارشادی جامعه دینی ماست.

اخیراً کتابی به نام «نقشه ای برای جدایی مکاتب الهی» در آمریکا انتشار یافته که در آن گفت و گوی مفصلی با دکتر مایکل برانت یکی از معاونان سابق سیا، سازمان اطلاعاتی مرکزی آمریکا، انجام شده است. او در این زمینه می گوید بعد از مدت ها تحقیق به این نتیجه رسیدیم که قدرت رهبر مذهبی ایران و استفاده از فرهنگ شهادت در انقلاب ایران تأثیر گذار بوده است و برای تحقیق بیشتر در این خصوص چهل میلیون دلار بودجه برای آن اختصاص دادیم. یکی از مواردی که باید روی آن کار می کردیم موضوع فرهنگ عاشورا و شهادت طلبی بود که هر ساله شیعیان با برگزاری مراسمی این فرهنگ را زنده نگه می دارند. ما تصمیم گرفتیم با حمایت های مالی از برخی سخنرانان و مداحان و برگزار کنندگان اصلی این گونه مراسم، که افراد سودجو و شهرت طلب هستند، عقاید و بنیان های شیعه و فرهنگ شهادت طلبی را سست و متزلزل کنیم و مسائل انحرافی در آن به وجود آوریم، به گونه ای که شیعه یک گروه جاهل و خرافاتی در نظر آید.

امام صادق (علیه السلام) برای جلوگیری از ورود این گونه تحریفات و تعالیم انحرافی در دین ملاک حق و باطل و شناخت تحریف دین از غیر آن را بر عهده علمای دین نهاده و ما را به متابعت از آنان سفارش نموده است: «إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَذَلِكَ أَنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُورِثُوا دِيْنَهُمَا وَ لَا دِيْنَ بَارًا وَ إِنَّمَا أُورِثُوا أَحَادِيثَ مِنْ أَحَادِيثِهِمْ فَمَنْ أَخَذَ بِشَيْءٍ مِنْهَا فَقَدْ أَخَذَ حَظًّا وَافِرًا فَانظُرُوا عَلِمَتِكُمْ هَذَا عَمَّنْ تَأْخُذُونَ فَإِنَّ فِينَا أَهْلَ الْبَيْتِ فِي كُلِّ خَلْفٍ عُدُولًا يَثْبُتُونَ عَنْهُ تَحْرِيفَ الْغَالِبِينَ وَ اتِّخَالَ الْمُبْطِلِينَ وَ تَأْوِيلَ الْجَاهِلِينَ؛ دانشمندان و وارثان پیامبران اند، و این بدان جهت است که پیامبران در هم و دیناری از خود بر جای نمی گذارند؛ بلکه سخنان و احادیثی از خود بر جای می نهند، پس هر کس چیزی از آنها را بگیرد، به بهره فراوان دست یافته است. بنگرید که علم خود را از چه کس می گیرید؟ زیرا که در میان ما اهل بیت (علیه السلام) در هر نسلی مردمان عادلانی هستند که دین را از تحریف علو کنندگان و ساخته های باطل یسندان، و تأویل نادانان می پیرایند».

طبق این حدیث شریف، کسانی که بدون توجه به آموزه های دینی و نیز توصیه های عالمان دین، عزاداری ها را با تحریفات و خرافات می آمیزند و گاه برنامه هایی اجرا می کنند که نه تنها خلاف شرع است، بلکه موجب وهن دین و مذهب می شود، نادانان و گاه دشمنان تشیع هستند و همراهی با آنان نیز در حکم کمک به آنان در وهن دین محسوب می شود.

## دوم) شور محوری به جای شعور محوری

روح نوحه محوری و شور محوری و کپرنگ شدن حضور روحانیان دانشمند در مجالس عزاداری یکی دیگر از آسیب ها در حوزه عزاداری است. درست است که این شور و عشق ها و سینه زنی ها می تواند به تقویت دین بیانجامد، اما سخن این است که اگر این شورها با شعور گره نخورد، ماندگار نخواهد بود. در حالی که اصل و اساس دین، به ویژه مکتب سرخ تشیع، معرفت و محبت مبتنی بر آن است؛ چنان که امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ؛ اول و آغاز دین معرفت او (خداوند) است».

تحریف معنوی بدین معنا است که بدون تصرف در لفظ و جعل داستان، متن یک واقعه تاریخی به گونه ای تأویل و تفسیر شود که معنا و مقصود اصلی آن واقعه تغییر یابد.

به یقین بدون شناخت و معرفت خداوند و ائمه معصومین (علیهم السلام) هیچ عملی ارزش پیدا نمی کند. بنابراین می توان گفت که حضور مؤثر عالمان دینی در مجالس عزاداری، دست کم از دو جهت ثمر بخش است: نخست اینکه آنان می توانند بخشی از وقت مجلس را به بیان معارف و مباحث علمی اختصاص دهند و دوم اینکه می توانند در مقابل هر گونه سخن خلاف و گزاف موضع بگیرند و از این رهگذر در سالم سازی مجالس مؤثر باشند. سکوت دانشمندان و به حاشیه راندن آنها زمینه را برای خرافات و سخنان خلاف شرع هموار می سازد.

سوم) بی توجهی به حق الناس یا مسائل شرعی دیگر دقت در زندگی امامان بزرگوار نشان می دهد که تمام هدف ایشان حفظ دین و ارزش های متعالی آن بوده است. امام حسین (علیه السلام) در وصیتی به محمد حنفیه به این مهم اشاره می نماید: «وَ أَنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَ لَا بَطْرًا وَ لَا مُفْسِدًا وَ لَا ظَالِمًا وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلْبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَسِيرَ بِسِيْرَةِ جَدِّي وَ أَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ بَرَايَ سِرْكَشِي وَ عِدَاوَتِ وَ فِسَادِ كَرْدَنِ وَ ظَلَمِ نَمُودَنِ اَز مَدِينَه خَارِجِ نَشُدَمِ؛ بَلَكِهْ بَه مَنْظُورِ اَصْلَاحِ دَر مِيانِ اَمْتِ جَدَمِ قِيَامِ كَرْدَمِ. مِنْ دَر نَظَرِ دَارَمِ اَمْرَ بَه مَعْرُوفِ وَ نَهْيِ اَز مَنكَرِ نَمَائِمِ. مِنْ مِي خَوَاهِمِ مَطَابِقِ سِيرَه جَدَمِ رَسُولِ خُدَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ پَدْرَمِ عَلِي بْنِ أَبِي طَالِبِ عَلَيْهِ السَّلَامِ رِقَاتَرِ نَمَائِمِ.»

بنابر این عزاداری هایی که در راستای قیام امام حسین (علیه السلام) نیستند، و در مقابل اهداف آن بزرگوار و مخالف احکام شرع مقدس هستند، حرام بوده، فاقد ارزش هستند. برای نمونه می تواند به ایجاد ترافیک در خیابان ها توسط برخی دسته های عزاداری اشاره کرد. حرکت دسته های عزاداری در خیابان ها و نشان دادن حزن و ماتم در عزاداری های دینی کار پسندیده ای است. این شکوه و عظمت دسته های عزاداری، نشانه پایبندی به اصولی است که امامان ما به خاطر آنها خون خود را نثار نمودند؛ اما باید توجه داشت که در این میان حرکت در خیابان ها مشکلات متعددی برای عبور و مرور سایرین به وجود می آورد. اگر این ترافیک ها به دلیل کثرت جمعیت عزادار



باشد و چاره ای جز آن نباشد، لازم است به گونه ای برنامه ریزی شود که در مکان های پر ترافیک حرکت سریع تر شود تا مزاحمت برای سایرین به حداقل برسد. اگر برخی از دست اندر کاران هیئات دسته های عزاداری را به گونه ای حرکت دهند که منجر به ترافیک شوند و بخواهند عظمت همیشه خاص خود را به رخ دیگران بکشند و نظرها را به سوی همیشه جلب نموده، در مقابل هیئتی دیگر خودنمایی نمایند، به یقین کاری حرام و از دیدگاه شرع مقدس اسلام مردود و انجام داده اند؛ چرا که عزاداری مستحب است و ایجاد مزاحمت عمدی برای مردم حرام.

از موارد دیگر این گونه بی توجهی ها نسبت به مسائل شرعی می تواند به نمونه های زیر اشاره کرد:

- ا) بی مبالایی در مورد به تأخیر افتادن و یا قضا شدن نماز به سبب انجام مراسم عزاداری؛
- ب) مزاحمت صوتی توسط بلندگوها، طبل ها و در ساعات آخر شب؛
- ج) مزاحمت برای عبور و مرور مردم به واسطه برپایی تکایای عزای؛
- د) استفاده از ابزار و آلات موسیقایی نامتناسب با

- ه) طولانی کردن برنامه های عزاداری و خسته کردن حاضران در مجلس؛
- و) تجمل گرایی در ابزار و آلات، سفره های نذری و سایر ملزومات بر پایی مجالس عزای؛
- ز) اختلاط زنان و مردان در مجالس عزاداری؛
- ح) خشونت گرایی، قمه زنی، ضرر رسانی به بدن و انجام امور غیر عقلایی که موجب مخدوش شدن چهره دین و دینداران در چشم دیگران می شود.

#### منبع

- مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، قم، انتشارات صدرا، چاپ اول، ۱۳۶۵
- فاطمی، مرتضی، آسیب شناسی عزاداری، انتشارات ائمه (ع)، قم، چاپ اول، ۱۳۸۵
- هادی منش، ابوالفضل، آسیب شناسی عزاداری عاشورا، نشریه پیام، دی ۱۳۸۸، شماره ۹۷
- عبداللهی، محمد اسماعیل، خرافه گرایی در عزاداری، نشریه پژوهش های اجتماعی اسلامی، مهر و آبان ۱۳۹۰، شماره ۹۰
- فجر، محمد مهدی، آسیب شناسی عزاداری، نشریه میلفان، آذر و دی ۱۳۸۹، شماره ۱۳۵
- حسینی، سید علی اکبر، تحریفات عاشورا، فرهنگ علوم انسانی و اسلامی، (بر گرفته از سایت پژوهشکده باقر العلوم <http://www.pajooh.com>)
- کلینی، محمد، اصول الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۴



مربوط می‌شود می‌توان گفت که کارکردهای منفی خرافات در سه حوزه فراگیر خلاصه می‌شوند:

الف) بعد رفتاری: اندیشه‌های خرافی الگوی رفتاری نادرست و غیرمنطقی را به جامعه تحمیل می‌کنند. ب) بعد ارزشی و اعتقادی: اندیشه‌های خرافی سلامت دین را تهدید می‌کنند؛ زیرا خرافه با تخریب و مخدوش ساختن چهره دین و اعتقادات دینی، علاوه بر منحرف ساختن دین، زمینه‌گریز از مذهب را، به ویژه برای نسل جوان و فرهیختگان جامعه، فراهم می‌آورد.

ج) بعد بین‌المللی: گسترش اندیشه‌های خرافی تصویر نادرست و نامطلوبی از جامعه ما در سطح جهان ارائه می‌کند. به عبارت دیگر اندیشه‌های خرافی یا فراهم آوردن حریم‌های تبلیغی برای

و داستان‌های باطل به کار رفته است. عده‌ای از لغت‌شناسان معتقدند ریشه اصلی کلمه خرافه در زبان عربی واژه فارسی «خرفت» است که اعراب از آن در زبان عربی مصدر و فعل ساخته‌اند. واژه «خرفت» در همه جای ایران به معنی گیج و نفهم به کار می‌رود. در خوزستان این کلمه را «خرف» تلفظ می‌کنند و خرف‌خاله به دخمه‌هایی می‌گویند که از زمان زرتشتی‌گری در بدنه کوه‌ها باقی مانده و هر یک مقبره خانوادگی یک خانواده است. در میان عامیان شوشتر این افسانه رواج دارد که در دوران باستان، طول زندگی انسان‌ها دراز بود و پیران در سال‌خوردگی به علت از دست دادن مشاعر خود به اختلال حواس گرفتار می‌شدند و حرف‌های بی‌معنی می‌زدند. از این رو فرزندان‌شان که از آنان به ستوه می‌آمدند آنان را با توشه و آب در این خرف‌خانه‌ها می‌نهادند تا یقین عمر را در آنجا بگذرانند.

**دوم) تبعات منفی خرافه‌گرایی:** خرافه‌بارزترین مصداق اندیشه انحرافی است و امروزه به مثابه یک آسیب اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. این پدیده معمولاً در جوامع سنتی و ایستا رواج بیشتری دارد و ویژگی‌بازدارندگی از پیشرفت از مشخصه‌های اصلی آن است. به عبارت دیگر جامعه‌ای که گرفتار خرافه باشد، شرایط ذهنی و روانی لازم برای توسعه را ندارد. از این رو نظریه پردازان حوزه فرهنگ معتقدند باورهای خرافی کارکردهای منفی متعددی دارد که مانع دسترسی به توسعه است. تا آنجا که به جامعه ایرانی - اسلامی ما

## خرافه و خرافه‌گرایی

خرافه‌گرایی و دامن‌زدن به موهومات و مجعولات، از مهم‌ترین آفات و آسیب‌ها در مجالس عزاداری و ذکر مصیبت اهل بیت (علیهم السلام) است که در طول تاریخ مسبب پیدایی تحریقات بسیاری در خصوص زندگی امامان معصوم گردیده. از این رو لازم است تا برای آشنایی بیشتر با این پدیده، علاوه بر تعریف خرافه، مختصراً به ذکر تبعات منفی و همچنین عوامل ایجادکننده آن بپردازیم.

### یکم) تعریف خرافه

کلمه خرافه که معادل لاتین آن Superstition است در لغت به معنای زوال عقل، افسانه و داستان بی‌بایه، حدیث باطل، سخن بی‌پایه و یاوه، و هر نوع عقیده نامعقول و بی‌اساس آمده است. در اصطلاح نیز خرافات به معنای اخبار، اعمال و عقیده‌های بی‌اساس و باطلی است که از نظر مسلمات عقلی قابل پذیرش نیست. در حالی که ریشه «خرف» در عربی به معنی چیدن میوه است، روشن نیست که به دلیل کدام تناسب معنایی این کلمه در معانی زوال عقل، گیج و خنگ شدن، و

برای استکبار جهانی، دامنه تأثیرگذاری پیام انقلاب اسلامی را محدودتر می‌سازد و چهره‌های نامناسب و زشت از جامعه ما به عنوان الگوی اسلامی ترسیم می‌نماید.

### سوم) عوامل گرایش به خرافه

به نظر می‌رسد دو عامل مهم بیشترین تأثیر را در رواج خرافه‌گرایی، به خصوص در زمینه باورهای دینی، دارند:

#### الف) جهل

پژوهش‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی نشان می‌دهد که میان سطح عقلانیت و گرایش به خرافات رابطه معناداری وجود دارد؛ به هر اندازه که فرد از درک حقایق و تحلیل وقایع به گونه‌ای عالمانه عاجز باشد، به همان نسبت دچار خرافات و خرافه‌گرایی می‌شود. روشن است که در اینجا جهل در برابر عقل قرار دارد، نه در مقابل علم. به عبارت دیگر می‌توان متصور شد که افرادی با سطح تحصیلاتی بالا نیز خرافه‌گرا و خرافه‌پذیر باشند. مطابق پژوهش‌های جامعه‌شناسانه هرچه سطح دانش و تحصیلات فرد بالاتر باشد، میزان گرایش به خرافه‌گرایی کم می‌شود. از این رو برای رفع عامل جهل چاره‌ای جز توجه بیشتر خانواده‌ها و دولت به امر آموزش و پرورش و افزایش تحصیلات مردم نیست. همچنین رسانه‌های مختلف، به ویژه صدا و سیما، می‌توانند با تولید برنامه‌هایی که زیر نظر نخبگان حوزوی و دانشگاهی ساخته می‌شوند، به آگاهی‌رسانی

بیشتر در خصوص سبک زندگی ایرانی - اسلامی یاری‌رسانند.

اولین نقطه آغاز هر حرکتی جهل‌زدایی و شعورمندی است. حضرت علی (علیه السلام) به کمیل فرمود: «ما من حركة الا وانت محتاج الي معرفة! هیچ حرکتی نیست مگر اینکه تو در آن به شناخت نیازمندی». امام حسین (علیه السلام) نیز برای جهل‌زدایی و شعورافزایی قیام کرد تا زمینه حاکمیت ارزش‌های اسلامی و انسانی در یرتو ولایت و رهبری اهل بیت (علیهم‌السلام) را فراهم نماید. بنا به فرمایش امام صادق (علیه السلام) در زیارت امام حسین (علیه السلام)، آن حضرت خونس را در راه خدا بذل کرد تا بندگان خدا را از جهالت و سرگردانی و گمراهی نجات دهد: «و یذل مهجته فیک لیستغذ عبادک من الجهاله و حیره الضلالة»!

#### ب) نقدگریزی و نقل‌زدگی

شکی نیست که برخورد انتقادی آنگاه که از دریچه فهم معرفتی نسبت به قضایا و مسائل و داده‌های اطلاعاتی انجام شود، به مثابه قرنطینه و ایستگاه بازشناسی در مدخل ذهن آدمی، سبب خواهد شد تا فرد هر چیزی را بدون استوار بودن بر پایه استدلال، ریشه عقلی، نیاز اصلی و تناسب با دستگاه اعتقادی و هویت ملی نپذیرد و همواره ذهن پرسشگر وی از ورود ناشناخته‌ها جلوگیری کند. در نتیجه، تفکر انتقادی سبب تصحیح آموزه‌های فرهنگی و بازنگری در عیار درستی، اصالت و ارزش آنها گردیده، به تدریج به پالوده شدن، غنا و پویایی فرهنگ می‌انجامد.



#### منابع

- امام شوشتری، محمد علی، فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان عربی، تهران، چاپخانه بهمن، ۱۳۴۷
- جامعه‌شناسی خرافات در ایران (شماره ۴۱)، تهیه شده در معاونت پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی، گروه پژوهش‌های اجتماعی، آبان ۱۳۸۸
- پژوهنده، محمد حسین، خرافه‌ستیزی در اندیشه دینی از دیدگاه شهید مطهری، نشریه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، خرداد و شهریور ۱۳۸۵، شماره ۵۹
- صفایی، صفی‌الله و دیگران، بررسی عوامل جامعه‌شناختی مرتبط با خرافات، نشریه مطالعات امنیت اجتماعی، بهار ۱۳۸۹، شماره ۲۱
- وزیر، علیرضا، فرهنگ شور و شعور در عزاداری، نشریه میلفان، آبان و آذر ۱۳۹۱، شماره ۱۵۹
- نوری، حسین، مستدرک الوسائل، قم، موسسه آل‌البیت، ۱۴۰۸
- طوسی، محمد بن حسن، التهذیب، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵



## آسیب‌شناسی مداحی

اشعار بی‌محتوا، عبارات سخیف به ویژه هنگامی که با موسیقی‌های مبتذل پاپ و صادرات لس‌آنجلسی ترکیب می‌شوند و شعارهای آزار دهنده‌ای که متأسفانه به نام عزاداری توسط مداحان خوانده و در ابعاد گسترده‌تری از رسانه ملی پخش می‌شود، معجونی را پدید می‌آورند که به تنهایی می‌تواند تیشه به ریشه اندیشه و اعتقادات دینی نسلی بزند که از هر سو در معرض تهاجمات فرهنگی گوناگون است. بیش از ربع قرن از انقلاب اسلامی می‌گذرد و هنوز هیچ نهاد و سازمانی مسئولیت اداره و هدایت این جریان عظیم را به عهده نگرفته است. تعداد آثار موسیقایی ساخته شده درباره عاشورا از شمار انگشتان دست بیشتر نیست و در میان آنها هم نمی‌توان آثار شاخص و متقن و قابل دفاع چندانی پیدا کرد.

هنوز هم اشعار اندکی که درباره این رویداد عظیم سروده شده‌اند، در هیچ رسانه‌ای خوانده نمی‌شوند و اگر به مناسبتی خوانده شوند، چنان در میان هیاهوی آثار سخیف گم می‌شوند که راه به جایی نمی‌برند. سال‌ها از خلق قصیده محتشم کاشانی می‌گذرد و هنوز کسی توان و جرئت جایگزینی و یادست کم هم نشینی غزل و قصیده‌ای، نه بهتر از آن که همسنگ با آن، را هم ندارد.

هنوز مداحان ما تحت آموزش صحیح قرار نگرفته‌اند که هر چیزی را و به هر شکلی نخوانند. هنوز از میان ضجه‌های مداحان، نغمه‌های ترانه‌های فلان خواننده قدیم و جدید به گوش می‌رسد و به نام عزاداری

اباعبدالله (علیه السلام) مخاطب را به دنیایی می‌برد که مورد تنفر سیدالشهدا (علیه السلام) و هر انسان صاحب دردی است. هنوز در عزاداری‌ها شاهد حرکات و رفتارهایی هستیم که عزاداری اباعبدالله (علیه السلام) را تبدیل به یک کارناوال توهین‌آمیز می‌کند و در آنها نه تنها شعارهای اصلی عاشورا مورد غفلت قرار می‌گیرند، که به شکلی تلویحی و یا حتی صراحتاً شعارهای مد روز و اینترنتی و شادکننده دل دشمنان مطرح می‌شوند. از این رو ضروری است تا با آسیب‌شناسی مداحی امروز زمینه‌های آگاهی مخاطبان فراهم گردد. آگاهی از انواع این آسیب‌ها و تبعات منفی حاصل از آنها، حساسیتی را در مخاطب ایجاد می‌کند که سبب می‌شود تا خود شنوندگان در

مواجهه با این آسیب‌ها حافظ فرهنگ دینی خود باشند و به جای دامن زدن به آنها، برخوردی معقول و مشروع داشته باشند. این آسیب‌ها ذیلاً در سه محور کلی فرم و قالب مداحی، محتوای مداحی، و شخصیت مداحان خلاصه شده‌اند.

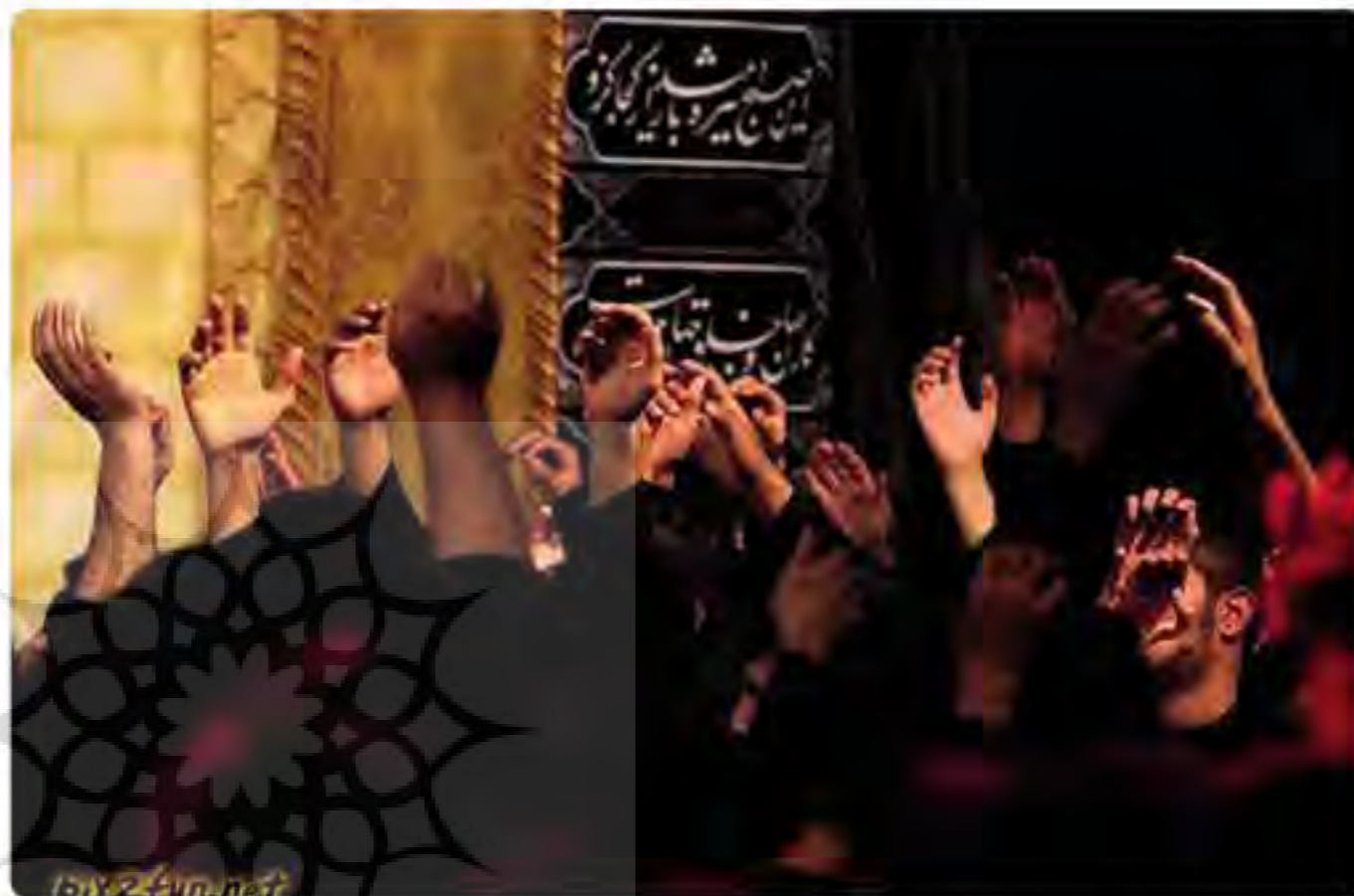
### یکم) آسیب‌شناسی مداحی امروز از منظر فرم و قالب

الف) توجه بیش از حد به قالب و ظاهر مداحی محافل عزاداری معصومان، پیش از هر چیز، فرصتی است برای بازسازی احساسات عمیق و اصیل معنوی، فراگیری سبک زندگی و اخلاقی صحیح، و الگو گرفتن از فضائل و سجایای اخلاقی امامان



دو ن شأن حضرات اولیاء و مجالس آنان است، وقتی برای مخاطبیبی خوانده می شود و مخاطب این آهنگ را شنیده باشد تداعی ذهنی نامطلوبی خواهد داشت. نبی اکرم (ص) فرمود: «قرأ و القرآن بالحن العرب و اصواتها و ایاکم و لحن اهل الفسق و اهل الکبائر؛ قرآن را با لحن عربی بخوانید و از لحن های اهل فسق و گناهان کبیره پرهیزید» وقتی چنین دستوری در باب قرآن وارد شده است، می توان گفت حتما در باب امامان معصوم نیز که قرآن ناطق اند و بزرگداشت آنها بزرگداشت شأن اسلام و قرآن است، رعایت این امر ضرورت دارد.

در گذشته نواها و نغمات استفاده شده در تعزیه ایرانی آن قدر دارای غنای موسیقایی بود، که به نظر بعضی صاحب نظران موسیقی، نظیر ابوالحسن صبا، این نغمات ضامن حفظ موسیقی، ایرانی بوده است. همچنین از قول برخی اساتید موسیقی نظیر استاد موسی معروفی، نقل شده که بعضی بزرگان موسیقی ایران، از جمله ابوالحسن اقبال السلطان، برای یادگیری و درس آموزی در مجالس تعزیه حضور می یافتند. جای تأسف است که امروزه برخی از مداحان با گرتبرداری از خوانندگان لس آنجلسی و یا تقلید از سبک هایی نظیر متال، سعی در اجرای نوحه ها و مرثیاتی خود در قالبی نامتناسب با فرهنگ ایرانی - اسلامی دارند.



و صورت) در مقایسه با گذشته، که بیشتر به متن و محتوای نوحه ها توجه می شد، مداحی جدید را از مداحی سنتی متفاوت ساخته است و این امر ضرورت بازگشت به عزاداری سنتی را، که از توصیه های امام خمینی (ره) بود، روشن می سازد.

ب) استفاده از سبک های مبتذل، تقلیدی و نامناسب یکی از مشکلات جدی مداحی های جدید رواج بی حد و حصر آهنگ ها و سبک هایی است که هیچ هماهنگی، قرابت و نسبتی با فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام) و مجالس آنها ندارد. تا جایی که متأسفانه بعضی از آهنگ های مورد استفاده مداحان کپی از موسیقی های غربی است. آهنگ ها، جدای از اینکه

بزرگوار. از این رو شایسته است که به جای تأکید بیش از حد بر قالب و فرم اجرای نوحه ها و مرثیاتی و نغمات در محتوای اشعار تأمل شود. بدون شک رشد و تعالی اخلاق حاضران در مجالس عزاداری است که در راستای زندگی مقاصد عالی اهل بیت (علیهم السلام) است و تنها در صورت حصول آن است که می توان به ثواب اخروی این گونه مجالس امیدوار بود. اگرچه همواره باید تلاش شود که شکل و قالب برگزاری محافل عزاداری معصومین نیز در هنرمندانه ترین وضع ممکن صورت پذیرد، اما نکته اینجاست که توجه به محتوا نباید تحت الشعاع پرداختن بیش از حد به زرق و برق قالب و فرم گردد. امروزه توجه به امور حاشیه ای در مراسم عزاداری (مثل توجه به فرم

## دوم) آسیب‌شناسی مداحی امروز از منظر محتوای مطالب

الف) خواندن روضه‌های دروغ و بی‌پایه

این معضل از قدیم همواره گریبان‌گیر بخشی از جامعه مداحان بوده و در حقیقت میدانی بزرگ برای آزمایش تقوای مداح به حساب می‌آید. انتخاب اینکه شما با یک کلمه دروغ، مجلسی را سرتاپا اشک و داد و فریاد کنید یا اینکه مقتلی را راست و مستند بخوانید و حتی اگر یک قطره اشک از چشم کسی نریزد، امتحانی است بسیار بزرگ. معمولاً آشنا نبودن مداح با تاریخ و مقاتل معتبر و مشهور باعث می‌شود که در خواندن روضه به ذکر وقایع مجعول و بی‌پایه پناه ببرد و بسیاری اوقات به بهانه «زبان حال» گفتن، چیزهایی بگوید که موجب وهن و کسر شأن حضرات ائمه (علیهم السلام) شود. این امر یکی از عوامل دامن زدن به تحریف زندگی امامان معصوم و همچنین خرافه‌گرایی در مجالس عزاداری است که در همین ویژه‌نامه، جداگانه و به تفصیل بیشتری به آنها پرداخته شده است.

ب) غلو

غلو و مبالغات جاهلانه آفتی است که مجالس عزاداری شیعیان را بسیار آزوده است. در سیره امامان معصوم (علیهم السلام) با هیچ انحرافی مانند غلو برخورد نشده است. ائمه بزرگوار شیعه در مقابل هرگونه مبالغه و غلوی می‌ایستادند و تاریخ گواه است که در این مورد هرگز اهل تساهل و مداهنه نبودند. قرآن کریم می‌فرماید: «یا اهل الکتاب لا تغلوا فی دینکم ولا تقولوا علی الله الا الحق؛ ای اهل کتاب، غلو در دین نکنید و بر خدا جز حق نگویید»

پیامبر (ص) نیز مبارزه با غلو را به عنوان یکی از برنامه‌های فرهنگی خود همواره در دستور کار قرار می‌دادند. از پیامبر اسلام وارد شده است که فرمود: «ایکم والغلو فی الدین فانما هلاک من کان قبلکم بالغلو فی الدین؛ از غلو در دین بپرهیزید، گذشتگان شما با غلو در دین هلاک شدند». همچنین امامان ما نیز شدیدترین برخورد را با غلات داشتند. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: «اللهم انی بریء من الغلاة کبرائه عیسی بن مریم من النصارى اللهم اخذلهم ابدأ ولا تتصر منهم احدا؛ خدایا من از غلات بیزارم همانند بیزاری حضرت عیسی از نصارا. خدایا آنها را تا همیشه خوار کن و هیچ کلام از آنها را یاری مکن». امام صادق (علیه السلام) نیز فرمود: «احذروا علی سببکم الغلاة لا یفسدوهم فان الغلاة شر خلق الله یصغرون عظمه الله ویدعون الی یوبیه لعباد الله و الله ان الغلاة لشر من اليهود النصارى و المَجوس و الذین اشرکوا؛ بترسید از اینکه غلو کنندگان جوانان شما را فاسد کنند. غلات بدترین بتدگان خدا هستند که عظمت خداوند را تحقیر می‌کنند و ادعای خدایی برای بتدگان خدا دارند. به خدا قسم غلات بدتر از یهود و نصارا و مجوس و مشرکان هستند». در همین زمینه از امام رضا (علیه السلام) نیز روایت شده که فرمود: «لعن الله الغلاة... لا تقاعدوا هم ولا تصادقوا هم و ابراء منهم بریء الله منهم؛ خدا غلات را لعنت کند. هم‌نشین اینها نشوید طرح دوستی با آنها نریزید، همان‌گونه که خداوند از آنها برائت جسته، شما هم برائت بجوید».

با وجود این موضع‌گیری روشن از سوی قرآن، پیامبر

و امامان (علیهم السلام) در مورد غلو متأسفانه این ردیله اخلاقی و اعتقادی در کلمات و اشعار برخی از مداحان وجود دارد و دستاویزی برای بدگویی دشمنان در حق شیعه گردیده است. برای نمونه می‌توان تنها به ذکر چند مورد زیر اکتفا کرد:

- من دیوانه شدم زنجیر کو / من حسین اللہی ام تکفیر کو

- امشب از عشق تو مست مستم من / هر چه بادا باد، علی پرستم من

- صفا و مروه دیدم، دور حرم دویدم / هیچ کجا برای من، کرب و بلا نمی‌شود

- خونی که ز سر و سینه عزاداران امام حسین بچکد، از آب پاک‌تر است.

- هر کس از اول محرم تا آخر صفر سیاه بر تن نکند شیعه نیست.

- لا اله الا زینب.

- علی بن ابی طالب زاده شده تا خدا تنها نماند.

ج) افراط در وصف سیمای ظاهری معصومین (علیهم السلام)

اهل بیت الگوی زندگی‌اند و نباید در مجالس وعظ و ذکر سخنانی گفت که الگو و سرمشق بودن آنان را تحت‌الشعاع خود قرار دهد. در برخی از موارد به قدری بر توصیف زیبایی چشم و ابرو و قد و بالای اهل بیت (علیه السلام) تأکید می‌شود که فضایل اخلاقی آنها در حاشیه قرار می‌گیرد. در سیره معصومین بزرگوار آنچه برای ما اهمیت دارد تبعیت از رویه اخلاقی و رفتار دینی و انسان‌ساز آنان است،

نه تکیه بر جزئیات چهره و اندامی که تخیل گوینده آن را پر و بال می‌دهد.

اساساً استفاده بی‌رویه از واژه‌هایی چون چشم و ابرو و خط و خال و قد و بالا و... و خواندن اشعاری از این دست که «همچو مادرت زهرا، از همه خوشگل تری»، نقض غرض امامان معصوم است و اهداف اصلی آن بزرگواران را از مجاهدت‌های خویش پوشانده، توجه افراد را به مطالب حاشیه‌ای جلب می‌نماید. در حالی که هدف اهل بیت (علیهم السلام) اعتلای کلمه حق و مبارزه با بدعت‌ها و ظلم‌ها و ولایت طواغیت بر انسان‌ها در عرصه فکر و عمل است. بنگرید به نمونه‌هایی از این دست اشعار:

- همه هستیمو مدیون چشما تم می‌دونی

از همان روز ازل مست نگاتم می‌دونی

- کار چشماش دلبریه

قد و بالای قشنگش عجب محشریه

- سیاهه چشات جزیره دله

هر کس از نسل توئه چه خوشگله

- با این که من خوب می‌دونم آدمی بی‌اصل و نسبم

بده اجازمای خدا عشقمو نقاشی کنم

خوب می‌شه قلب عاشقم به طرح خوشگل می‌زنم

نقش به مرد پهلون طرح شمایل می‌زنم

به روی صفحه می‌کشم پیشانی بلندشو

ایروهای کمونی شو صورت آسمونی شو

تا که به چشماش می‌رسم، کشیدنش چه مشکله

آخه چشای یار من سیاهه، خیلی خوشگله

آیا اینها مناقب اهل بیت (علیهم السلام) است؟ آیا

داشتن چشم‌های آن چنانی ارزش است یا فداکاری‌ها

و از جان گذشتگی‌ها؟

(د) استفاده از اشعار نامناسب

امروزه در هیئت‌ها بسیاری از چیزهایی که به عنوان شعر، مخصوصاً در قالب نوحه و شور خوانده می‌شود، حتی فاقد وزن، ردیف و قافیه صحیح است. علاوه بر این محتوای این اشعار نیز غالباً تهی از معارف بلندی است که در زندگی اخلاقی و دینی ائمه (علیهم السلام) موجود بوده است. بسیاری از اشعار صرفاً برای برانگیختن احساسات ساخته شده‌اند. از این رو در بسیاری از این اشعار واژگان ذلت‌بار، خوارکننده و ترحم‌انگیزی در حق معصومان استفاده می‌شود که به هیچ روی با شخصیت بزرگ آنان تناسبی ندارد؛ تعابیری نظیر زینب مضطر، قاسم ناکام، زین العابدین بیمار و... به طور قطع ذلت از ساحت مقدس اهل بیت (علیهم السلام) به دور است؛ چنان که قرآن کریم نیز به این امر اشاره دارد: «ولله العزة و لرسوله و للمؤمنین». به همین دلیل است که امام حسین (علیه السلام) حتی به بازماندگان خویش هم تأکید بر حفظ عزت دارد: «یا اختی انی اقسمت علیک قبری قسمی لا تشقی علی حبیبی و لا تخمشی علی وجهی و لا تدعی علی بالویل و الثبور اذا انا هلکت؛ خواهرم تو را قسم می‌دهم که پس از من گریبان چاک مکن، سیلی بر صورت مزین، و بر من کلمات وای و نابودی را به کار میر». از این رو سزاوار است تا به جای استفاده مکرر از واژگانی نظیر، بیچاره، تشنه لب، مظلوم، غریب، تنه‌ها، بی‌کس و... از کلماتی مانند شجاعت، شرف، ایثار، مردانگی، غیرت، ایستادگی،

وفا، ادب، و سایر صفات و سجایای اخلاقی معصومان استفاده شود.

(ه) نقل معارف اسلامی به شیوه‌های سست

مطرح کردن معارف اسلامی در قالب‌هایی نظیر دیدن خواب و... از دیگر آسیب‌هایی است که محتوای مطالب مداحان را تهدید می‌کند. روشن است اعتقادی که با خواب درست شود با خواب هم از بین می‌رود. خواب و مکاشفه در اعتقادات شیعه، برای خود بیننده حجتی قطعی نیست، چه رسد به دیگران؛ در روایت حسنه ابراهیم بن هاشم وارد شده که امام صادق (علیه السلام) در جواب سائلی که از افسانه خواب ابی بن کعب سؤال نموده فرمود: «ان دین الله اعز ان یری فی النوم؛ دین خکا محکم‌تر از آن است که با خواب سنجیده شود».

ائمه بزرگوار شیعه در مقابل هرگونه مبالغه و غلوی می‌ایستادند و تاریخ گواه است که در این مورد هرگز اهل تساهل و مدهانه نبودند.

اگرچه دیدن رؤیاهای صادقانه مورد تأیید دین اسلام است، اما باید توجه داشت که به گفته بزرگان ما، نظیر شیخ انصاری، این امر در غایت ندرت است و جز برای معدودی از افراد حاصل نمی‌شود. بنابراین نباید با دامن زدن به این امر که راهی برای اثبات و نفی آن نیست، حربه‌ای به دست شیادان دهیم که از این رهگذر دروغ‌های خود را در مجالس عزاداری معصومان مطرح کنند.

و) تحقیر شأن انسانی شنوندگان و حاضران در مجلس استفاده از اشعار نامناسب گاه تا بدان جا پیش می‌رود که به تحقیر حاضران در جلسه، که مجبور به تکرار یک بند از اشعار مورد استفاده مداح هستند، می‌انجامد. این در حالی است که در میراث اسلامی هیچ گاه اهل بیت (علیهم السلام) ذلت را برای پیروانشان نمی‌پسندند. در احادیث وارد شده است که: «لا ینبغی للمؤمن ان یدل نفسه! سزاوار نیست مؤمن خود را ذلیل کند».

استفاده از اشعار نامناسب گاه تا بدان جا پیش می‌رود که به تحقیر حاضران در جلسه، که مجبور به تکرار یک بند از اشعار مورد استفاده مداح هستند، می‌انجامد

در این خصوص از مراجع عظام تقلید سؤال شده است که برخی مداحان شعرهای نامناسبی مانند «من سگ کوی زینبم» خوانده، یا قلاده سگ به گردن انداخته و صدای سگ در می‌آورند، وظیفه ما در برخورد با این افراد چیست؟

ج: مداحی و خواندن اشعار در مجالس اهل بیت (علیهم السلام) باید طوری باشد که موجب وهن شیعه نباشد و بهانه به دست دشمنان شیعه ندهد. در مجالس اهل بیت (علیهم السلام) باید اشعاری خوانده شود که فضایل آن بزرگواران بیان شود و مصائب و مظلومیت آنها برای مردم گفته شود. ائمه از ما نخواستند که خود را به صورت حیوان در آوریم. آنچه از ما خواسته اند این است که مؤمن صالح باشیم و اخلاق ما اخلاقی باشد که از آن بزرگواران رسیده است.

ز) استفاده از گویش کوچه بازاری و لهجه اهل باطل ظاهراً این به عنوان یک ارزش بین مداحان مطرح شده که مداح باید دانش مشدی‌گری و لوطی‌گری را در حد اعلای آن رعایت کند. از مشخصات این نوع ادبیات استفاده از الفاظ سخیفی است که به هیچ وجه در شأن زبانی نیست که ذکر حضرات ائمه (علیهم السلام) می‌گوید. حتی کلفت کردن صدا نیز به تبعیت از همین فرهنگ و گویش در بین بسیاری از مداحان نوجوان و جوان باب شده است. حال آنکه این ادبیات هیچ گاه در بین بزرگان دینی ما و علمای سلف سابقه و رواج نداشته و همواره ادبیاتی توأم با ادب و وقار و طمأنینه بر منابر و عظم و مرثیه خوانی حاکم بوده است.

ح) طبقه‌بندی مستمعان

از رسوم بسیار ناپسند این روزگار در باب مداحی تبعیض و تقسیم‌بندی مستمعان به محرم و نامحرم و عمومی و خصوصی است. در بعضی مجالس عزاداری مشاهده می‌شود که مداح گفتن بعضی مطالب را به زمانی حواله می‌دهد که نامحرمی در مجلس نباشد و همه، به اصطلاح، اهل حال باشند. نتیجه عنوان کردن این امر در جمع عمومی آن است که مستمعان خود را نامحرم و بیگانه از بارگاه معنوی ائمه (علیهم السلام) دانسته، و از حضور دوباره در مجالس این چنین دلسرد می‌گردند. گفتنی است که حتی علما و عرفای بزرگ تاریخ اسلام نیز چنین جایگاه و شأنی برای خود قائل نبوده‌اند که در حضور جمع، حاضران محفل معنوی امام حسین و اهل بیت (علیهم السلام)

را به محرم و نامحرم تقسیم‌بندی کنند.

ط) اظهار نظر پیرامون مسائلی که درباره آنها تخصص ندارند

از دیگر آسیب‌های جدی مجامع و محافل مذهبی این است که استقبال جوانان از مجالس مداحی باعث شده مداحان خود را در جایگاه وعظ و افتاء و دستگیری از خلق دیده، شئونی فراتر از خویش برای خود قائل باشند. بعضی از مداحان امروزی هم متنبیری‌اند، هم خطیب، هم کارشناس روایات و احادیث، هم مفسر قرآن و حدیث، هم استاد اخلاق و سیر و سلوک، هم مرجع تقلید، و هم کارشناس و تحلیلگر مسائل سیاسی، اقتصادی، علمی و نظامی.

سوم) آسیب‌هایی که شخصیت مداحان را تهدید می‌کند

الف) برخورد کاسب‌کارانه با مجالس عزاداری شکی نیست که عده‌ای در ایران و دیگر محیط‌های شیعی از حواشی مراسم عزاداری ارتزاق می‌کنند. این مسئله به خودی خود مذموم نیست؛ اما اگر ارتزاق از دستگاه حسینی تبدیل به پول‌زدگی و تعیین دستمزدهای گزاف بی‌انجامد، آنگاه مشمول حکم سوءاستفاده مالی از عقیده مردم می‌شود. در اصول کافی از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است: «لا تاکل بنا الناس فی فقرک الله؛<sup>۲</sup> به اسم ما مردم را چپاول نکن که خداوند فقر را بر تو مسلط می‌سازد». به گفته آن بزرگوار خداوند کسانی که دستگاه دین را به سفره نان و نام خود تبدیل کرده‌اند، لعنت کرده

است. همچنین از معصومین وارد شده است: «یا اباالنعمان لا تستأکل بنا الناس فلا یریدک الله بذلک الا فقرا! از راه ما ارتزاق نکن که خداوند بر فقرت خواهد افزود».

ب) باندبازی، مریدبازی و نوجه پروری

شاید دلیل رواج این آفت این باشد که مداح به دلیل نداشتن هنر مجلس گردانی و ارتباط با انواع مخاطب، فقط در شرایطی خاص و با حضور عده‌ای خاص می‌تواند خوب بخواند و گرمی مجلس او وابسته به حضور همین اشخاص و شنوندگان حرفه‌ای است. برخی از مداحان حرفه‌ای تیمی چندده نفره متشکل از گریه کن و سینه‌زن حرفه‌ای دارند که در تمام مجالس خود آنها را به همراه می‌برند تا در گوشه و کنار مجلس مستقر گردند و شور محفل عزار از یاد کنند.

ج) وابستگی سیاسی و سیاست‌زدگی

گاهی مشاهده می‌شود که مداح با سواستفاده از مجلس عزاداری معصومان به تبلیغ یک جناح سیاسی و یا سیاستمدارانی خاص می‌پردازد. مجالس عزاداری نباید محلی برای تبلیغ جناح‌های سیاسی یا سیاستمداران باشد. قداست و معنویت برنامه‌های عاشورایی فراتر از دسته‌بندی‌های سیاسی است و هرگز نباید این محافل روحانی را به جلسات سیاسی تبدیل کرد.

در پایان به نتایج یک تحقیق جامعه‌شناختی در باب تفاوت‌های مداحان سنتی و مداحان امروزی اشاره می‌گردد. داود صفا و دکتر محمود نجاتی حسینی در

تحقیقی که بر روی محتوای مجالس عزاداری صورت داده‌اند، توانستند تا با ارائه آمار، مقایسه‌ای میان مداحی‌های سنتی و مدرن انجام دهند. بخشی از نتایج این تحقیق در نمودار زیر قابل مشاهده است:

متغیر	مداحی سنتی	مداحی مدرن
پوشش مداح در هنگام مداحی	۸۰٪ با پیراهن و ۲۰٪ با کت و شلوار	۶۲٪ با تی شرت و ۳۸٪ با پیراهن
سن مداح در سال اجرای مداحی	۵۶٪ در گروه سنی ۴۱ سال و بیشتر	۷۸٪ در گروه سنی بین ۲۰ تا ۳۰ سال
محتوای اشعار مداحی	۱. توصیف روابط عاطفی و خانوادگی بین اهل بیت (علیهم السلام) ۲. بیان مصائب و مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) ۳. هم ذات پنداری و خواندن زبان حال	۱. اظهار عشق به معشوق زمینی؛ ۲. اظهار ارادت به ارباب و مولا و حرم آنها ۳. سرزنش خود به عنوان موجود گنهکار

متغیر	مداحی سنتی	مداحی مدرن
توجه به پیوندهای اجتماعی در اشعار	۸۶٪ توجه دارد	اغلب توجه ندارد
آگاهی بخشی به مخاطبان در زمینه های دینی	۵۴٪ سبب آگاهی بخشی به مخاطبان می شود	۲٪ سبب آگاهی بخشی به مخاطب می شود
برهنه شدن حضار در حین سینه زنی	در ۶۴٪ مجالس وجود داشته	در ۹۸٪ مجالس وجود دارد
میزان هیجان آفرینی توسط حضار از طریق گریه با فریاد بلند	در ۵۶٪ مجالس وجود نداشته و در ۴۴٪ مجالس گاهی اوقات وجود داشته	در ۷۳٪ مجالس اکثر اوقات وجود داشته
هیجان آفرینی با موسیقی و ضرباهنگ تند	در ۷٪ مجالس وجود داشته	در ۹٪ مجالس وجود دارد

متغیر	مداحی سنتی	مداحی مدرن
درون مایه ی محتوایی	در ۵۰٪ موارد درون مایه عاطفی و احساسی و در ۴۶٪ موارد درون مایه ی اخلاقی	در ۹۶٪ موارد درون مایه احساسی و عاطفی
به کارگیری واژه های نظیر می، مستی، ساقی، خمار، پیاله	در ۲۴٪ وجود داشته	در ۹۴٪ وجود داشته
به کارگیری واژه های تحقیرآمیز در اشعار مانند سگ، قلاده، دیوانه، نوکر، غلام و ...	اصلا استفاده نمی شده	در ۶۴٪ موارد و مطالعات فریبشی استفاده می شود
به کارگیری ادبیات محاوره ای	در ۵۶٪ موارد اصلا استفاده نمیشده و در ۳۳٪ موارد گاهی اوقات به کار می رفته	در ۹۴٪ موارد ادبیات محاوره ای استفاده می شود

#### منبع

- بابایی، رضا، آسیب شناسی مجالس عزاداری، نشریه پیام، محرم ۱۳۸۶، شماره ۸۶
- صفادلو، نجاتی حسینی، محمود، تحلیل محتوای مداحی های مذهبی مردم پسند (مقایسه مداحی های سنتی و مدرن)، نشریه معرفت فرهنگی اجتماعی، پاییز ۱۳۹۰، شماره ۸
- عبداللهی، محمد اسماعیل، خرافه گرایی در عزاداری، نشریه پژوهش های اجتماعی اسلامی، مهر و آبان ۱۳۹۰، شماره ۹۰
- فجزی، محمد مهدی، آسیب شناسی عزاداری، نشریه مبلغان، آذر و دی ۱۳۸۹، شماره ۱۳۵
- نشریه بالذات الحسین علیه السلام، ۵/۱۱/۱۳۸۴، صفحه ۶
- سخنرانی آیت الله احمد خاتمی در اجلاسیه مجلس خبرگان رهبری، با موضوع آفت زدایی از مراسم عزاداری، به نقل از پایگاه اطلاع رسانی رسا: <http://www.zasnews.ir>
- کلینی، محمد، اصول الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵
- احسانی، ابن ابی جمهور، عوالی اللاکی، قم، انتشارات سید الشهداء، ۱۴۰۵
- نوری، حسین، مستدرک الوسائل، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۰۸

# قلمه زنی

پیامدها و آسیب‌ها

ژورنال علمی و مطالعات فرهنگی

مجله علمی و مطالعات فرهنگی

پایش  
سبک زندگی



شماره ۴  
آبان ۱۳۹۳

رصدنامه علمی، فلسفی و اطلاع‌رسانی



## قمه‌زنی

یکم) قمه‌زن کیست و قمه‌زنی چیست

قمه سلاحی است شبیه شمشیر، اما کوتاه‌تر و پهن‌تر، بدون انحنای و کجی، به کسی که با این سلاح در روز عاشورا سر خویش یا دیگران را مجروح می‌سازد قمه‌زن و به این عمل قمه‌زنی می‌گویند. کسانی که می‌خواهند صبح روز عاشورا قمه بزنند شب عاشورا قمه خویش را تیز کرده، در جلسه‌ای به نام مشق قمه شرکت می‌کنند. ایشان صبح روز عاشورا، بعد از نماز صبح، سر برهنه، پابرهنه و کفن پوش قمه‌ها را در دست گرفته، از پهنای سر می‌زنند و با نوحه خوانی و گفتن حیدر، حیدر، آماده قمه‌زنی می‌شوند. استاد قمه‌زن یا زدن دو سه ضربه سر افراد را مجروح می‌سازد و سپس آنها را از پهنای قمه بر روی زخم زده، حسین، حسین می‌گویند. بعضی افراد که خود توان زدن قمه را ندارند به دلخواه خویش یا ضرباتی سر خویش را مجروح می‌سازند. گاهی برخی آن قدر قمه می‌زنند تا از هوش بروند. مشاهده و دیدن این چهره‌های خون‌آلود دل‌هر بیننده‌های را آزرده و پریشان می‌سازد؛ بسا افرادی که از دیدن این چهره‌ها مضطرب شده، از هوش می‌روند.

اگرچه قمه‌زنی از مراسم صبح عاشورا است، اما بعضی افراد در هر مناسبتی مانند ایام شهادت حضرت امیر و حضرت زهرا، وفات حضرت زینب و حضرت رقیه (علیهم السلام)، و اربعین یا سالروز شهادت حضرت امام محمد باقر (علیهم السلام)، قمه می‌زنند. به خصوص اخیراً، مراسم قمه‌زنی با شدت بیشتری به وسیله برخی از جوانان همیشه سیاه‌پوش ترویج و تبلیغ می‌شود.

دوم) تاریخچه قمه‌زنی

یکی از بدعت‌ها و تحریف‌هایی که متأسفانه در چند سال اخیر دست‌هایی آگاهانه یا غیر آگاهانه به ترویج آن می‌پردازد بدعت قمه‌زنی است. قمه‌زنی نه تنها با روح و تعالیم اسلامی رابطه‌ای ندارد، بلکه در تقابلی آشکار با آن بوده، بیشترین نقش در تخریب چهره تشیع را داشته است.

در مورد منشأ اصلی و اولی قمه‌زنی، اقوال مختلفی وجود دارد، اما آنچه بیشتر از همه مستند و قابل اثبات است، این است که تیغ‌زنی و قمه‌زنی رسومی عاریتی‌اند که از جانب ترک‌های آذربایجان به فارس‌ها و اعراب منتقل شده‌اند. ابوالهیم الحیدری، جامعه‌شناس، محقق و نویسنده عراقی کتاب «ترازندی کربلا»، نیز بر این عقیده است که مراسمی از قبیل قمه‌زنی، قبل از قرن نوزدهم در عراق مرسوم نبوده است و به تدریج از اواخر این قرن در آن کشور رواج یافته است. بنابراین مراسم قمه‌زنی و... از خارج عراق به آن کشور وارد شده و ریشه عربی ندارد.

شیخ کاظم دجیلی نیز در تأیید این نظر می‌گوید:

«عرب‌های عراق تا آغاز قرن بیستم در این مراسم شرکت نمی‌کردند. این اعمال در ابتدا در میان ترک‌های عراق، فرقه صوفیه و کردهای غرب ایران مرسوم بود.»

بعضی از محققان بر این عقیده‌اند که قمه‌زنی در زمان صفویه تأسیس گردید و صفویه آغازگر آن بوده‌اند؛ اما بعضی دیگر از محققان و تاریخ‌نگاران معتقدند که آغاز قمه‌زنی مربوط به دوره قاجار بوده و چنین عزاداری‌هایی در عصر صفویه وجود نداشته است. در هر صورت آنچه از نظر تاریخی مسلم است این است که تیغ‌زنی و قمه‌زنی بدعت‌هایی مربوط به دو سه قرن اخیرند و سابقه‌ای در اسلام ندارند.

سوم) سوءاستفاده استعمارگران از قمه‌زنی

بدعت نوظهور قمه‌زنی علاوه بر تخریب وجهه تشیع در دنیای امروزی، به خصوص در کشورهای اهل تسنن، همواره مورد سوءاستفاده استعمارگران نیز قرار گرفته است؛ برای مثال شواهد تاریخی نشان می‌دهد که استعمار انگلیس برای آنکه ثابت کند مردمان هند، پاکستان، عراق، ایران و کشورهای اسلامی دیگر افرادی به دور از تمدن و خوی انسانی‌اند و احتیاج به قیمی دارند که آنان را از جهل و توحش موجود برهاند، عکس و تصاویر مراسم قمه‌زنی را در روزنامه‌های بریتانیا و اروپا به چاپ می‌رساند. سیاستمداران استعمارگر در نتیجه این تصویرها، استعمار این کشورها را به عنوان ضرورتی انسانی اعلام می‌کردند که می‌تواند مردم آن کشورها را از جهل و توحش رها کند، به جاده تمدن و پیشرفت رهنمون سازد.

نقل شده است، هنگامی که یاسین هاشمی، نخست وزیر عراق در عهد استعمار انگلیس، برای گفت و گو جهت پایان دادن استعمار به لندن رفته بود، انگلیسی ها به او گفتند: ما به دلیل کمک به مردم عراق به آنجا آمده ایم تا آنان را از توحش و حماقت خارج ساخته، مزه سعادت را به آنان بچشائیم! این سخن خشم یاسین هاشمی را برمی انگیزد و باعث می گردد تا با عصبانیت از جلسه خارج شود. انگلیسی ها از او عذر خواهی کرده، او را به دیدن فیلمی مستند از عراق دعوت می کنند. این فیلم که از هیئت های حسینی به راه افتاده در خیابان های نجف، کربلا و کاظمین تهیه شده بود، حاوی صحنه های مهیب و نفرت آوری از شمشیر کوبی و قمه زنی مردم عزادار بود. گویی انگلیسی های خواستند بگویند آیا مردمانی روشنفکر که از تمدن بویی برده اند با خود چنین می کنند؟

#### چهارم) دلایل مجوز قمه زنی

الف) تمسک به روایت جعلی مسلم جصاص بارها شنیدیم که قمه زنان به روایتی دروغ تمسک می کنند و می گویند: اگر قمه زنی و سر شکافتن در عاشورا و عزای حسین جایز نیست پس چرا زینب (علیها سلام الله)، سرش را به چوب محمل کوفت و سر و صورتش را آغشته به خون کرد؟ مگر امام سجاد (علیه السلام) همراه زینب نبود و این اقدام وی را ندید؟ آیا سکوت امام معصوم در اینجانی تواند به مثابه تأیید و تقریر این عمل باشد؟

اصل این ماجرا از آنجاست که فردی به نام مسلم جصاص نقل می کند: «من از طرف ابن زیاد اجیر شده بودم که دارالاماره کوفه (و یا به قولی دروازه شهر) را تعمیر و گچ کاری کنم. مشغول کار بودم که هیاهویی در شهر بلند شد. دست از کار شستم و به سوی هیاهو و ازدحام مردم رفتم. دیدم سرها را بر سر نیزه ها کرده اند و همراه با اسرا که در چهل کجاوه بودند، وارد شهر می کنند. زینب دختر علی (علیها السلام)، خطبه می خواند و مردم کوفه را به باد ملامت گرفته بود که ناگهان سر حسین را بالای نیزه کرده، جلوی کجاوه زینب آوردند. زینب چون چشمش به سر بریده برادر افتاد و دید که باد موی محاسن برادرش را گاه به سمت راست و گاه به سمت چپ می برد، از شدت تأثر و ناراحتی سرش را به چوب محمل کوبید؛ آن قدر که خون از زیر مقنعه اش جاری شد».

در مورد صحت و سقم این خبر باید گفت که علمای بسیاری تا کنون در نقد آن سخن گفته اند و دلایل متعددی درون متنی و برون متنی را در رد آن ارائه کرده اند. سه مورد از مهم ترین این دلایل که مربوط به نقل کنندگان این خبر است عبارت است از:

۱. این خبر تاریخی سند ندارد؛ به عبارت دیگر سلسله راویان آن در جایی ذکر نشده است.
۲. منابع اولیه و کتاب های معتبر چنین واقعه ای را گزارش نکرده اند.
۳. این واقعه تنها در کتاب نورالعین آماده که کتابی است بی اعتبار و نویسنده آن تا به حال معلوم نشده است.

ب) فرض کردن قمه زنی به عنوان یکی از مصادیق عزاداری یکی دیگر از دلایلی که موافقان قمه زنی برای انجام کار خویش به آن استناد می نمایند این است که قمه زنی را از مصادیق عزاداری می دانند و چون جزع و عزاداری برای امام حسین مستحب و از شعائر الهی است، پس قمه زنی نیز به تبع آن باید جایز و حتی مستحب باشد.

بدعت نوظهور قمه زنی علاوه بر تخریب وجهه تشیع در دنیای امروزی، به خصوص در کشورهای اهل تسنن، همواره مورد سوء استفاده استعمارگران نیز قرار گرفته است

در جواب این استدلال باید گفت هر فعل و شیئی دارای تعریف و محدوده مشخصی است تا با افعال و امور دیگر اشتباه نگردد. این تعریف و محدوده یا از ناحیه شرع مقدس معین شده و یا - در جایی که از طرف شرع تعریفی وجود ندارد - عقل و عرف عقلا باید برای آن محدوده و حدی معین کنند. در عزاداری نیز باید محدوده به وسیله شرع و یا عرف مشخص گردد. در مورد شرع باید گفت هیچ دلیل معتبر شرعی ای که بتوان با آن قمه زنی یا اعمالی شبیه به آن را به عنوان عزاداری و جزع محسوب نمود، موجود نیست و آنچه بیشتر مورد توصیه ائمه معصومین (علیهم السلام) بوده است نوحه سرایی و گریه بر مصائب حضرت سیدالشهدا است. علاوه بر اینکه از نظر عرفی نیز عقل جمعی بشری بر غیر عقلایی بودن این شکل از عزاداری تأکید می کند.



جالب اینجاست که در کتاب معتبر لهوف و دیگر مقاتل مستند چنین آمده است که امام حسین (علیه السلام) در شب عاشورا به زنان حرم چنین فرمودند: «ای ام کلثوم، زینب، فاطمه، و رباب! توجه کنید که هرگاه کشته شدم، گریبان چاک نزنید و صورت نخرائید و سخن ناروا بر زبان جاری نکنید».

### پنجم) دلایل حرمت قمه زنی

به جز امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، از دیرباز تا کنون علمای بسیاری نظیر آیات عظام محسن امین، خویی، اراکی، حائری، جواد تبریزی، صافی گلپایگانی، بهجت، فاضل لنکرانی، سیستانی، مکارم شیرازی، مشکینی، محمدصادق صدر، جوادی آملی، مهدی روحانی، نوری همدانی و... در فتاوایی جداگانه بر حرمت قمه زنی تأکید کرده اند. صدور این فتاوا به دلایل مختلفی انجام گرفته است که ذیلاً به طور مختصر به برخی از آنها اشاره می گردد:

الف) عدم وجود دلیل بر جواز قمه زنی چنانکه پیش تر نیز اشاره شد، روایاتی که از آنها جواز قمه زنی در عزاداری امامان معصوم (علیهم السلام) برداشت می شود از نظر سندی اعتباری نداشته، جعلی به حساب می آیند، از طرفی دلایل عقلی ارائه شده بر جواز قمه زنی نیز سست و بی پایه اند. بنابراین از منابع فقهی نه استحباب قمه زنی و نه حتی جواز آن استفاده نمی شود. چنان که آیت الله مکارم شیرازی گفته اند: کیفیت عزاداری باید در نصوص اسلامی وارد شده باشد. در حالی که قمه زنی مسلماً نه منصوص است و نه مصداق عزاداری در عرف عقلا و اهل شرع به حساب می آید.

ب) وهن مذهب و هتک حرمت عزاداری مسلماً کوبیدن شمشیر بر فرق سر خود موجب وهن دین مقدس اسلام در جهان می شود و باعث می گردد تا مذهب شیعه بی منطق قلمداد شده، عنوان خرافاتی و خشونت گرا به آن داده شود. «وهن» در لغت به معنای تضعیف و سست نمودن کسی یا چیزی است و منظور از آن در اینجا این است



که اگر دیگران این عمل را در عزاداری امام حسین (علیه السلام) ببینند مذهب شیعه را متهم به خشونت، توحش و خرافه گری می کنند، که در نتیجه منجر به تضعیف و وهن تشیع می گردد.

تاکنون در شبکه های تلویزیونی و رسانه های ضداسلامی در جهان، با استناد به صحنه های قمه زنی که در برخی کشورهای دیگر از جمله هند، پاکستان و عراق هم معمول است، تولیدات زیادی علیه اسلام و مسلمین با معرفی چهره های خشن و زشت از آنها ساخته شده است. نمونه ای از این امر فیلمی بود به نام «شمشیر اسلام» که چند سال پیش توسط بی بی سی تهیه و پخش گردید. در این فیلم با استفاده از موضوعاتی چون قمه زنی، خشونت و نمادهای دینی تحریف شده سعی در خشن نشان دادن دین اسلام، به خصوص بدبین کردن افکار عمومی نسبت به ظهور حضرت مهدی (عج) و حکومت ایشان شده بود. نمونه ای دیگر نیز فیلمی به نام «ترور شیعی» بود که از تلویزیون فلوریدای آمریکا پخش شد و در آن شیعیان به گونه ای معرفی شده بودند که به چیزی جز قتل و خونریزی فکر نمی کنند و هنگامی که به دشمنی دست نمی یابند، با شمشیر به خود حمله می کنند. در پایان این برنامه نیز برای اثبات این ادعاها تصویرهایی از قمه زنی در روز عاشورا پخش گردید. همچنین فیلم های «محاصره»، «ساوایور» و... که در این راستا تهیه و توزیع جهانی شده است قطعاً اثرات منفی خود را بر اذهان جهانیان بر جای گذاشته است. خبرنگاران رسانه های غربی همچنان منتظرند تا چنین سوره هایی را شکار کرده، خوراک تبلیغی

مناسبتی برای اربابان خود فراهم کنند.

بنابراین از آنجایی که قمه‌زنی باعث هتک حرمت عزاداری و تمسخر و توهین دین و مذهب می‌گردد، اجتناب از آن واجب است. مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرمایند: «قمه‌زنی سستی جعلی است و از اموری است که مربوط به دین نیست؛ بلکه قطعاً کاری خلاف و بدعت است. قمه‌زنی از نظر عرفی از مظاهر حزن و اندوه محسوب نمی‌شود و سابقه‌ای در عصر ائمه و زمان‌های بعد از آن ندارد و تأییدی هم به شکل خاص یا عام از معصومین در مورد آن نرسیده است؛ در زمان حاضر هم موجب وهن و بدنام شدن مذهب می‌شود؛ بنابراین در هیچ حالی جایز نیست».

ج) ضرر رساندن به خود

شکافتن سر با شمشیر و کاردهای بزرگ و جاری ساختن خون از آن ضرر به جسم است و می‌توان گفت جنایت بر نفس شمرده می‌شود که جایز نیست. آیت الله محسن امین در این خصوص گفته‌اند: «قمه‌زنی و اعمالی دیگر از این قبیل در مراسم عزاداری حسینی به حکم عقل و شرع حرام است و زخمی ساختن سر، که نه سود دنیوی دارد و نه اجر اخروی، ایذاء نفس است که خود در شرع حرام است. شکی نیست که این اعمال ناشی از وساوس شیاطین بوده، موجب رضایت خدا و پیامبر و اهل بیت (علیهم‌السلام) نیست، و تغییر نام این اعمال، در ماهیت و حکم شرعی آن که حرمت است، تغییری نمی‌دهد».

به اعتقاد کارشناسان بهداشتی و متخصصان امور بهداشتی، قمه‌زنی ممکن است از یک سو باعث

خونریزی، عفونت‌های موضعی و قطع شدن برخی عروق و اعصاب فرد قمه‌زن شود و از سوی دیگر می‌تواند بیماری‌های عفونی خطرناکی را در جامعه گسترش دهد. دکتر حسین ملک افضلی استاد دانشگاه تهران می‌گوید با توجه به اینکه پوست سر گردش خون خوبی دارد، حتی جراحات کوچک آن هم می‌تواند خونریزی فراوانی به همراه داشته باشد. وی سپس خون‌ریزی، ایجاد جوشگاه ناهنجار (محل ترمیم زخم بد شکل)، عفونت موضعی و قطع شدن برخی عروق و اعصاب را از جمله عوارض فردی قمه‌زنی ذکر می‌کند و می‌افزاید: «احتمال بروز شوک ناشی از کم شدن حجم خون (به دلیل خونریزی شدید)، احتمال بروز آنمی (کم خونی)، احتمال انتقال عفونت از بیرون جمجمه به درون آن و بروز عفونت‌های خطرناکی همچون مننژیت، احتمال بروز کزاز و احتمال آلوده بودن قمه مورد استفاده و انتقال بیماری‌های عفونی خطرناکی همچون هیپاتیت B و حتی در موارد نادری بیماری‌های ویروسی».

دکتر علی‌رضا زالی، جراح مغز و اعصاب و استادیار دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، در مورد عوارض قمه‌زنی می‌گوید: «پوست و مو، استخوان و تسج مغزی زیر استخوان در جریان اصابت قمه ممکن است دچار آسیب شوند. قسمت اعظم سیستم وریدی مغز که زهکشی تمام مغز را بر عهده دارد و سینوس «بلیاژیتال» نامیده می‌شود، ممکن است در مسیر اصابت قمه قرار بگیرد. این مسئله می‌تواند باعث مشکلاتی نظیر ایجاد لخته، پارگی، جراحات‌های وریدی و خون‌ریزی بسیار شدید

شود. بعضی اوقات اصابت قمه باعث می‌شود که قطعات استخوانی زیرین شکسته شده، به داخل فرو رود که اصطلاحاً شکستگی فرو رفته نامیده می‌شود».



#### منابع

- دست پنهان: نگاهی به تاریخچه، مبانی فقهی و بازتاب‌های قمه‌زنی در افکار عمومی و رسانه‌های بین‌المللی، تهیه و تنظیم واحد پژوهشی دفتر فرهنگی فخر الائمه، قم، سازمان اوقاف و امور خیریه، چاپ هشتم، ۱۳۸۷.
- مسأله، مهدی، قمه‌زنی: سنت یا بدعت، اصفهان، انتشارات گلین، ۱۳۸۵.
- امین، محسن، عزاداری‌های نامشروع، ترجمه جلال ال احمد، بوشهر، نشر شروه، چاپ دوم، ۱۳۷۱.
- نجفی، زین‌العابدین، «اعمال نامتعارف در عزاداری اهل بیت (علیهم‌السلام) از منظر فقه امامیه»، نشریه انسان پژوهی دینی، شماره ۱۷ و ۱۸، پاییز و زمستان ۱۳۸۷.
- اکبر نژاد، محمد تقی، «قمه‌زنی و اعمال نامتعارف در عزاداری»، نشریه بازتاب اندیشه، شماره ۸۵، اردیبهشت ۱۳۸۶.

## بایسته‌های عزاداری در کلام رهبری

یکم) استفاده از اشعار پر محتوا

وقتی شعر را می‌خوانیم، به فکر باشیم که از این شعر ما ایمان مخاطبان ما زیاد شود. پس هر شعری را نمی‌خوانیم؛ هر جور خواندنی را انتخاب نمی‌کنیم؛ جوری می‌خوانیم که لفظ و معنا و آهنگ، مجموعاً اثر گذار باشد. در چه؟ در افزایش ایمان مخاطب.

چقدر خوب است که در محافل هیئت‌ها، به مسئله قرآن - قرآن خوانی و معارف قرآنی - اهتمام ورزیده بشود؛ چقدر خوب است که در این نوحه خوانی‌ها مضامین اسلامی، مضامین انقلابی، مضامین قرآنی گنجانده بشود؛ یک وقت هست که سینه می‌زنند و صد بار با تعبیرات مختلف مثلاً می‌گویند «حسین وای»، خوب این یک کاری است، اما هیچ فایده‌ای ندارد و هیچ چیزی از «حسین وای» انسان نمی‌فهمد و یاد نمی‌گیرد. یک وقت هست که شما در همین مطلبی که [عزادار] تکرار می‌کند و حرفی که ابا آن سینه می‌زند، بازبان نوحه و بازبان شعر، یک مسئله‌ی

روز، یک مسئله‌ی انقلابی، یک مسئله‌ی اسلامی، یک معرفت قرآنی را می‌گنجانید؛ او وقتی تکرار می‌کند، در ذهن او ملکه می‌شود؛ این خیلی باارزش است، کاری است که هیچ کس دیگر غیر از شما نمی‌تواند این کار را بکند؛ یعنی هیچ رسانهای واقعاً قادر نیست که این جور معارف الهی را با جسم و جان و فکر و روح و احساس و عقل و مانند اینها آمیخته کند. لذا کار مهمی است، کار بزرگی است و امیدواریم که ان‌شاءالله خدای متعال به شما توفیق بدهد و شما را ماجور بدارد که بتوانید به بهترین وجهی - ان‌شاءالله - این کار را پیش ببرید.

دوم) تقبیح قمه زنی

میدانم عدما‌ی خواهند گفت: «حق این بود که فلاکی اسم قمه را نمی‌آورد.» خواهند گفت: «شما به قمه زدن چه کار داشتید؟ عدما‌ی می‌زنند؛ بگذارید بزنند!» نه؛ نمی‌شود در مقابل این کار غلط سکوت کرد. اگر به گونه‌ای که طی چهار، پنج سال اخیر بعد از جنگ، قمه زدن را ترویج کردند و هنوز هم می‌کنند، در زمان حیات مبارک امام رضوان‌الله‌علیه ترویج می‌کردند، قطعاً ایشان در مقابل این قضیه می‌ایستادند. کار غلطی است که عدما‌ی قمه به دست بگیرند و به سر خودشان بزنند و خون بریزند. این کار را می‌کنند که چه بشود؟! کجای این حرکت، عزاداری است؟! البته دست بر سر زدن، به نوعی نشانه عزاداری است. شما بارها دیده‌اید کسانی که مصیبتی برای‌شان پیش می‌آید، بر سر و سینه خود می‌کوبند، این نشانه عزاداری معمولی است؛ اما شما تا به حال کجا دیده‌اید که

فردی به خاطر رو بکرد مصیبت عزیزترین عزیزانش، با شمشیر بر مغز خود بکوبد و از سر خود خون جاری کند؟! کجای این کار عزاداری است؟! قمه زدن سنتی جعلی است. از اموری است که مربوط به دین نیست و بلاشک، خدا هم از انجام آن راضی نیست. علمای سلف دستشان بسته بود و نمی‌توانستند بگویند این کار، غلط و خلاف است. امروز روز حاکمیت اسلام و روز جلوه اسلام است. نباید کاری کنیم که آحاد جامعه اسلامی برتر، یعنی جامعه محب اهل بیت (علیهم‌السلام) که به نام مقدس ولی عصر ارواحنا فدا، به نام حسین بن علی (علیه‌السلام) و به نام امیرالمؤمنین علیه‌السلام، مفتخرند، در نظر مسلمانان و غیرمسلمانان عالم به عنوان یک گروه آدم‌های خرافی بی‌منطق معرفی شوند. من حقیقتاً هر چه فکر کردم، دیدم نمی‌توانم این مطلب - قمه زدن - را که قطعاً یک خلاف و یک بدعت است، به اطلاع مردم عزیزمان نرسانم. این کار را نکنند. بنده راضی نیستم. اگر کسی تظاهر به این معنا کند که بخواد قمه بزند، من قلباً از او ناراضی‌ام؛ این را من جداً عرض می‌کنم. یک وقت بود در گوشه و کنار، چند نفر دور هم جمع می‌شدند و دور از انظار عمومی مبادرت به قمه زنی می‌کردند و کارشان، تظاهر - به این معنا که امروز هست - نبود.

کسی هم به خوب و بد عملشان کار نداشت؛ چرا که در دایره محدودی انجام می‌شد اما یک وقت بناست که چند هزار نفر ناگهان در خیابانی از خیابان‌های تهران یا قم یا شهرهای آذربایجان و یا شهرهای خراسان ظاهر شوند و یا قمه و شمشیر بر سر



خودشان ضربه وارد کنند، این کار قطعاً خلاف است. امام حسین (علیه السلام) به این معناراضی نیست؛ من نمی دانم کدام سلیقه‌هایی و از کجا این بدعت‌های عجیب و خلاف را وارد جوامع اسلامی و جامعه انقلابی مامی کنند؟

### سوم) استفاده از منابع معتبر و پرهیز از نقل مطالب سست

بعضاً گوینده‌ای در یک مجلس به نقل مطلبی می پردازد که هم از لحاظ استدلال و پایه مدرک عقلی یا نقلی سست است و هم از لحاظ تأثیر در ذهن یک مستمع مستبصر و اهل منطوق و استدلال، ویرانگر است؛ مثلاً در یک کتاب، بعضی مطالب نوشته شده است که دلیلی بر کذب و دروغ بودن آنها نداریم؛ ممکن است راست باشد، ممکن است دروغ باشد. اگر شما آن مطالب را بیان کنید - ولو مسلم نیست خلاف واقع باشد - و با شنیدن آنها برای مستمعان، که جوان دانشجو یا محصل یا رزمنده و یا انقلابی است - و بحمدالله، انقلاب ذهن‌ها را باز و منفتح کرده است - نسبت به دین، سؤال و مسئله ایجاد می شود و اشکال و عقده به وجود می آید، نباید آن مطالب را بگویید؛ حتی اگر سند درست هم داشت، چون موجب گمراهی و انحراف است، نباید نقل کنید؛ چه رسد به اینکه اغلب این مطالب مندرج در بعضی کتاب‌ها، سند درستی هم ندارد. یک نفر از زبان دیگری، مطلبی را مبنی بر این می شنود که من در فلان سفر، فلان جا بودم، که فلان اتفاق افتاد. گوینده از روی مدرک یا بدون مدرک، چنان مطلبی را می گوید. شنونده هم آن

را باور می کند و در کتابی می نویسد و این کتاب به دست من و شما می رسد. من و شما چرا باید آن مطلب را که نمی تواند در یک مجمع بزرگ، برای ذهن‌های مستبصر و هوشیار و آگاه توجیه شود باز گو کنیم؟! مگر هر مطلبی را هر جا نوشتند، انسان باید بخواند و باز گو کند؟

### چهارم) پرهیز از خرافه گرایی

بنده خیلی متأسفم که بگویم در این سه، چهار سال اخیر برخی کارها در ارتباط با مراسم عزاداری ماه محرم دیده شده است که دست‌هایی به غلط آن را در جامعه ما ترویج کرده‌اند. کارهایی را باب می کنند

و رواج می دهند که هر کس ناظر آن باشد، برایش سؤال به وجود می آید. به عنوان مثال در قدیم لایام بین طبقه عوام‌الناس معمول بود که در روزهای عزاداری به بدن خودشان قفل می زدند! البته پس از مدتی، بزرگان و علما آن را منع کردند و این رسم غلط برافتاد اما باز مجدداً شروع به ترویج این رسم کرده‌اند و شنیدم که بعضی افراد، در گوشه و کنار این کشور، به بدن خودشان قفل می زنند! این چه کار غلطی است که بعضی افراد انجام می دهند؟! ما اهل منطق و استدلالیم. شما ببینید درباره مباحث مربوط به شیعه، چه کتب استدلالی قوی ای نوشته شده است! کتاب‌های مرحوم «شرف‌الدین» و نیز

زهر اسلام الله علیها مناسبتی ندارد که ما بیابیم نوحه خوانی و سینه زنی کنیم؛ بهتر این است که در آن موارد، شرح مصائبشان گفته بشود، شرح مصائب، گریه آوار است.

### ششم) گزیده‌ای از فتاوی حضرت آیت الله خامنه‌ای درباره عزاداری

۱. صدمه وارد کردن به بدن در حد کوبیدن سر به دیوار، جنگ زدن به صورت، به صورت زدن، سینه زنی تا حدی که سینه‌ها ولو جزئی آسیب ببیند و یا اینکه از بدن خون جاری شود، چه حکمی دارد؟  
ج: عزاداری به شیوه مرسوم و سنتی از اعظم قربات الی الله تعالی و موجب اجر و ثواب است، لکن باید از هرگونه کاری که موجب وهن مذهب باشد، پرهیز شود. همچنین هر عملی که ضرر قابل توجهی برای انسان داشته باشد، حرام است.

۲. راه اندازی دسته‌های عزاداری در ساعات پایانی شب در خیابان‌ها و محله‌ها چه حکمی دارد؟  
ج: به راه انداختن دسته‌های عزاداری برای سیدالشهدا و اصحاب ایشان (علیهم‌السلام) و شرکت در امثال این مراسم امر بسیار پسندیده و مطلوبی است و از بزرگ‌ترین اعمالی است که انسان را به خداوند نزدیک می‌کند، ولی باید از هر عملی که باعث اذیت دیگران می‌شود و یا فی نفسه از نظر شرعی حرام است، پرهیز گردد.



مقام معظم رهبری...  
امام خامنه‌ای: قمه زدن علاوه بر این که از نظر عرف از مظاهر حزن و اندوه محسوب نمی‌شود و سابقه‌ای در عصر ائمه «علیهم‌السلام» و زمان‌ها بعد از آن ندارد و تایید هم به شکل خاص یا عام از معصوم «علیه‌السلام» در مورد آن نرسیده است، در زمان حاضر موجب وهن و بدنام شدن مذهب می‌شود بنابراین در هیچ حالت جایز نیست.

است. حالا یک وقت در جمع و مجلسی کسی روضه ای می‌خواند، عده‌ای دلشان نرم می‌شود و گریه می‌کنند، این عیبی ندارد. اصلاً عزاداری کردن یک حرف است، روضه خوانی و سینه زنی راه انداختن یک حرف دیگر است.

روضه خوانی و سینه زنی راه انداختن، مخصوص امام حسین است، حداکثر مربوط به بعضی از ائمه است؛ آن هم نه به این وسعت. مثلاً در شب و روز تاسوعا و عاشورا به خصوص در شب و روز بیست و یکم ماه رمضان، سینه زنی و عزاداری و برپایی جلسات خوب است؛ ولی مثلاً در مورد حضرت موسی بن جعفر (علیه‌السلام) - با اینکه وفات آن بزرگوار از وفات‌های دارای روضه خوانی است - من لزومی نمی‌بینم که سینه زنی بشود؛ یا مثلاً در سالگرد شهادت حضرت

«الغدیر» مرحوم علامه امینی در زمان ما، سرتاپا استدلال، بتون آرمه و مستحکم است. تشیع این است یا مطالب و موضوعاتی که نه فقط استدلال ندارد، بلکه «شبه شیء بالخرافه» است؟! چرا اینها را وارد می‌کنند؟ این خطر بزرگی است که در عالم دین و معارف دینی، مرزداران عقیده باید متوجه‌اش باشند.

پنجم) سینه زنی مخصوص امام حسین (علیه السلام) است، در باقی موارد ذکر مصیبت کافی است

مسئله دیگر مسئله روضه هاست. روضه خوانی و سینه زنی باید باشد، اما نه در هر عزایی. این را بدانید که روضه خواندن و گریه کردن - آن سنت سنیه - مربوط به همه ائمه نیست؛ متعلق به بعضی از ائمه

۳. حکم پخش صدای مراسم سینه‌زنی و نوحه‌خوانی و یا نوار آن از طریق بلندگوهای مساجد و حسینیه‌ها در شهرها و محله‌ها چیست؟

ج: واجب است برگزارکنندگان مراسم و عزاداران تا حد امکان از اذیت و ایجاد مزاحمت برای همسایگان بپرهیزند، هر چند با کم کردن صدای بلندگو و تغییر جهت آن به طرف داخل باشد.

۴. استفاده از ادوات موسیقی (محلی یا غیر آن) نظیر طبل، سنج، دمام و... برای عزاداری ابا عبدالله (علیه السلام) در هیئت‌ها چه حکمی دارد؟

ج: استفاده از آلات موسیقی، مناسب با عزاداری سالار شهیدان (علیه السلام) نیست و شایسته است مراسم عزاداری به همان صورت متعارفی که از قدیم متداول بوده، برگزار شود. البته استفاده از طبل و سنج به نحو متعارف اشکال ندارد.

۵. حمل علم و کتل و پرچم‌های بزرگ چه وجهی دارند؟ بعضی علم‌ها به قدری بزرگ است که باید چندین نفر زیر آن قرار بگیرند. ضمن اینکه در برخی نواحی اعتقاداتی درباره این وسایل وجود دارد که موجب وهن اسلام و علی‌الخصوص شیعه می‌شود. آیا انجام این کارها جایز است؟

ج: استفاده از علم در عزاداری سیدالشهدا (علیه السلام) فی نفسه اشکال ندارد، ولی نباید جزء دین شمرده شود. لکن حمل پرچم و کتل اشکال ندارد.

۶. حکم تصویربرداری و نورپردازی در هیئت‌های مذهبی به نحوی که یادآور کنسرت‌های موسیقی غربی باشد، چیست؟

ج: باید از انجام هر کاری که با شأن و جایگاه مجالس عزاداری اهل بیت (علیهم السلام) منافات دارد، پرهیز شود.



منبع

دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی خامنه‌ای: <http://khamenei.ir>

//khamenei.ir

خبرگزاری همشهری: <http://hamshahrionline.ir>

خبرگزاری قدس: <http://qudsonline.ir>

خبرگزاری قطره: <http://www.ghatreh.com>

خبرگزاری تحلیلی خبر آنلاین: <http://www.khabaronline.ir>





## سبک صحیح عزاداری و راهکارهای تحقق آن

شروع اندیشه اصلاحی در مراسم عزاداری به دوره قاجار بر می‌گردد. پس از شروع مشروطه و طرح افکار اصلاحی کسانی مانند سید جمال الدین اسدآبادی و پیدایش تمایلات اصلاح طلبانه در ایران، انجام پاره‌ای تغییرات و خرافه‌زدایی از مراسم عزاداری و مرثیه سرایی‌ها، که به تدریج در برخی موارد به انحرافات دچار شده بود، در نظر برخی عالمان دینی ضروری به نظر رسید. گرچه در این مسیر برخی افراد به افراط و تفریط‌هایی دچار شدند، اما دانشمندانی نیز بودند که با تأکید بر حفظ و انجام این مراسم، بر ضرورت زدودن پیرایه‌ها از آن اصرار داشتند. از جمله این افراد می‌توان به مرحوم میرزا حسین نوری اشاره کرد که با تالیف کتاب «لولو و مرجان» بنیانگذار امر مبارزه با تحریفات در عزاداری‌ها و اصلاح‌الگوی عزاداری در عالم تشیع شد. «اسرار المصائب و نکات النوائب» فی ذکر غرائب مصائب الاطیاب من آل ابي طالب» نام کتاب دیگری است که توسط عالمی به نام علی بن محمد تقی قزوینی نجفی در سال ۱۳۲۴ هجری قمری نوشته شد این کتاب در رد روایات جعلی و ساختگی در باب وقایع عاشورا نگاشته شده است. اقدام اثباتی مرحوم شیخ

عباس قمی در تالیف کتاب «نفس المهموم» نیز گام دیگری در بیان مطالب استوار درباره زندگانی ائمه اطهار (علیهم السلام) بود که سعی می‌نمود عرصه را بر آثار ضعیف تنگ کند. «التنزیه لاعمال الشبیه» و «مجالس السنیه فی مناقب و مصائب العتره النبویه» نام دو کتابی است که مرحوم سید محسن امین درباره تحریفات در عزاداری‌ها به رشته تحریر در آورده است.

باید تلاش کرد تا؛ بیان ویژگی‌هایی نظیر شجاعت، شرف، قدرت، عزت، سربلندی، ایثار، حق‌جویی، ظلم‌ستیزی و... چهره قهرمانانه اهل بیت (علیهم السلام) را به تصویر کشید.

در سالیان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نیز استاد شهید مرتضی مطهری با ایراد چند سخنرانی در سال ۱۳۴۸ شمسی، درباره تحریفات عاشورائیکاتی را بیان داشتند. این سخنرانی‌ها بعدها در کتاب «حماسه حسینی» به چاپ رسید و نقش زیادی در طرح لزوم مبارزه گسترده با بدعت‌ها و دروغ‌ها و همچنین اصلاح‌الگوی عزاداری داشت. بعد از پیروزی انقلاب هم این حرکت ادامه یافت و هم‌اکنون نیز بسیاری از متفکران و نخبگان حوزوی و غیرحوزوی بر این امر تأکید می‌کنند. برای رسیدن به الگوی عزاداری مطلوب، در ابتدا باید ویژگی‌های سبک عزاداری صحیح را ترسیم کرد و سپس به راهکارهایی برای رسیدن به آن اندیشید. از این رو در این بخش ابتدا به بیان خصوصیات مجالس مطلوب عزاداری خواهیم پرداخت و سپس راهکارهایی را برای نزدیک شدن به این آرمان پیشنهاد خواهیم کرد.

### یکم) ویژگی‌های عزاداری صحیح

تا کنون در موارد متعددی در بیانات مقام معظم رهبری به لزوم وجود سه ویژگی در عزادارهای مذهبی اشاره شده است و از این رهگذر خطوط کلی سبک عزاداری صحیح ترسیم گردیده است. غفلت کردن از هر یک از این ابعاد به ارائه تصویری کاریکاتوری از وقایع مذهبی می‌انجامد که تنها بر یک ویژگی خاص مبالغه‌ای غلوآمیز کرده است. از نظر رهبری یک عزاداری صحیح باید کارکردهای زیر را داشته باشد:

الف) افزایش علاقه قلبی و عاطفی عزاداران نسبت به اهل بیت (علیهم السلام)

مقام معظم رهبری در توضیح این ویژگی می‌فرمایند: «این پیوند عاطفی نسبت به اولیای خدا و اولیای دین پشتوانه بسیار ارزشمند پیوند فکری و عملی است. بدون این پشتوانه خیلی سخت می‌شود در این راه حرکت کرد. در قرآن نسبت به اولیای الهی سه تعبیر وجود دارد؛ یک تعبیر، ولایت است «انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا»؛ معلوم است که تا پذیرش ولایت در اعتقادات و باور افراد وجود نداشته باشد بحث به مرحله اطاعت و عمل نمی‌رسد. تعبیر دوم اطاعت است: «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم»؛ یعنی بعد از پذیرش ولایت در بعد اعتقادی باید در مرحله عمل از اولیای دین اطاعت کرد. اما یک تعبیر سومی نیز وجود دارد که مودت است: «قل لا اسئلكم علیه اجرا الا الموده فی القربی». این مودت دیگر برای چیست؟ این مودت پشتوانه ولایت و

و اطاعت است. اگر این رابطه قلبی و دوست داشتن اهل بیت (علیهم السلام) نباشد، همان بلایی بر سر امت اسلامی خواهد آمد که در همان قرون اولیه اسلامی بر سر یک عده آمد؛ کسانی که همین مودت را کنار گذاشتند و به تدریج اطاعت و ولایت را هم ترک کردند. بنابراین مودت بسیار مهم است. این مودت با ارتباطات عاطفی حاصل می‌شود، با ذکر مصیبت اهل بیت، ذکر مناقب و فضایل آنها. بنابراین این عزاداری‌هایی که انجام می‌گیرد، این گریه و زاری‌ها که می‌شود، اموری ضروری است که نباید ترک شود. یک عده از موضع روشنفکری نیایند بگویند که اینها دیگر لازم نیست؛ نه، اینها لازم است، اینها تا آخر لازم است.»

ب) زنده نگاه داشتن روحیه شجاعت، عزت، ظلم ستیزی و حماسه آفرینی

بی شک هدف امام حسین (علیه السلام) و همه ائمه در طول زندگی مبارکشان ظلم ستیزی و مبارزه با فساد و زورگویی بوده است. مصائب وارد شده بر ایشان نیز تنها به دلیل آن بود که برای رسیدن به همین نیت متعالی، همواره در طول زندگی خویش با شجاعت و عزت بسیار حماسه آفرینی کردند. بنابراین در ذکر مصیبت ایشان همواره باید به هدف این بزرگواران و تلاش پر عزت ایشان در راه حق طلبی اشاره کرد و جنبه‌های حماسه‌وار حیات آنان را مغفول نگذاشت. هر گاه در سوگواری مصائب ایجاد شده برای اهل بیت (علیهم السلام) صرفاً بر جنبه‌های مظلومیت، غربت، بی‌یاری و یاور ماندن، لب تشنگی و اموری از این دست

تأکید شود، بدون شک تحریف سیمای حماسه‌ساز معصومین اتفاق خواهد افتاد. باید تلاش کرد تا؛ بیان ویژگی‌هایی نظیر شجاعت، شرف، قدرت، عزت، سربلندی، ایثار، حق‌جویی، ظلم ستیزی و... چهره قهرمانانه اهل بیت (علیهم السلام) را به تصویر کشید. مقام معظم رهبری در خصوص تبیین این ویژگی می‌فرماید: «مصائب اهل بیت (علیهم السلام) باید آبرومند و پرتپش و پر قدرت باقی بماند. امروز حادثه عاشورا پشتوانه یک نهضت است. اگر امروز به ما بگویند ریشه نهضتی که به وجود آورده‌اید کجاست، در پاسخ می‌گوییم ریشه این نهضت، پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) است. فراموش کردن جنبه حماسه و عزت، ناقص کردن این حادثه عظیم و شکستن یک جواهر گران بهاست.»

ج) افزایش معرفت دینی و ایمان عزاداران  
آیت الله خلمنه‌ای در تشریح این ویژگی می‌فرماید: «سومین ویژگی لازم در این مجالس، افزایش ایمان و معرفت دینی در مردم است. در چنین مجالسی باید از دین نکاتی عنوان شود که موجب ایمان و معرفت بیشتر در مستمع و مخاطب گردد؛ یعنی سخنرانان و منبری‌ها، یک موعظه درست، یک حدیث صحیح، بخشی از تاریخ آموزنده معتبر، تفسیر آیه‌ای از قرآن یا مطلبی از یک عالم و دانشمند بزرگ اسلامی را در بیانات خود بگنجانند. این طور نباشد که وقتی بالای منبر می‌رویم یک مقدار لفاظی کنیم و حرف بزنیم و اگر احیاناً مطلبی هم ذکر می‌کنیم مطلب سستی

باشد که نه فقط ایمان‌ها را زیاد نمی‌کند، بلکه به تضعیف ایمان مستمعین منجر می‌شود. متأسفانه باید عرض کنم که گاهی چنین مواردی دیده می‌شود؛ یعنی بعضاً گویندای در یک مجلس به نقل مطلبی می‌پردازد که هم از لحاظ استدلال و مدرک عقلی یا نقلی سست است و هم از لحاظ تأثیر در ذهن یک مستمع مستبصر و اهل منطق و استدلال، ویرانگر است. امروزه عموم جوانان - از دختر و پسر گرفته تا زن و مرد - و حتی غیر جوانان، ذهنشان باز است. اگر دیروز فقط جوانان دانشجو از این ویژگی برخوردار بودند، امروز مخصوص آنها نیست و همه مسائل را با چشم بصیرت و با استبصار نگاه می‌کنند و می‌خواهند بفهمند.»

مصائب اهل بیت (علیهم السلام) باید آبرومند و پرتپش و پر قدرت باقی بماند. امروز حادثه عاشورا پشتوانه یک نهضت است. فراموش کردن جنبه حماسه و عزت، ناقص کردن این حادثه عظیم و شکستن یک جواهر گران بهاست

دوم) راهکارهای دستیابی به سبک عزاداری صحیح

برای رسیدن به الگوی مناسب و شایسته از سبک عزاداری شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۱/۰۲/۱۳۸۶ در جلسه ۶۰۳ خود، سیاست‌های ساماندهی شیون فرهنگی در مناسبت‌های مذهبی را به شرح ذیل تصویب کرد:

### فصل اول: سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اجرایی

۱) غنابخشی فکری و محتوایی مجالس و مراسم سوگواری در جهت ارتقاء و تعمیق بصیرت و معرفت اقشار و آحاد جامعه درباره فلسفه، عمق و ابعاد و تعلیمات و تبعات حماسه حسینی و مقابله با تحریفات و اکاذیب پدید آمده در این زمینه.

۱/۱) اهتمام بیشتر به توسعه اندیشه‌ها و نظرات امام راحل، مقام معظم رهبری و متفکران بزرگ از جمله استاد شهید مرتضی مطهری درباره محرم و آیین‌های عزاداری سالار شهیدان (علیه السلام).

۲/۱) تهیه برنامه‌های منظم و منسجم رسانه‌ای برای نقد و بررسی شعر، مداحی، و تعزیه‌خوانی و همچنین مناظره فکری فقهی توسط متخصصان.

۳/۱) ایجاد پایگاه اطلاع‌رسانی اینترنتی برای تدوین و ترویج برنامه‌ها و مراسم سوگواری مناسب در بیرون از مرزهای کشور به منظور ایجاد بصیرت و ارتقاء معرفت دینی و خنثی‌سازی نسبت‌های دروغین معاندین و مخالفین فرهنگ و حماسه عاشورای حسینی با استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی.

۱/۱) تبیین و تشریح فلسفه، ضرورت و نقش تاریخی قیام عاشورا و ارائه تحلیل‌های مناسب از فرایند شکل‌گیری نهضت حسینی و نفی تحلیل‌های ناصواب غیر منطبق با واقعه عاشورا و شعائر حسینی از طریق رسانه‌ها، به ویژه صدا و سیما، با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط فرهنگی.

۲) صیانت از روش‌های اصیل و سنتی عزاداری و بررسی راهکارهای تقویت و توسعه آن متناسب با

روح حماسی عاشورا و ذوق، سلیقه و گرایش‌های نسل امروز.

۱/۲) اصلاح و صیانت تعزیه‌خوانی و آموزش گروه‌های تعزیه‌خوان.

۲/۲) معرفی سبک‌ها، آداب، اشعار و روش‌های اصیل و صحیح عزاداری و تجلیل از پیشکسوتان و مجالس نمونه.

۳/۲) نوآوری و تبلیغ سبک‌های جدید متناسب با شئون مراسم سوگواری.

۴/۲) برنامه‌ریزی به منظور ارتقاء کیفیت مداحی و آشناسازی مداحان با سیره زندگانی و مرثی و مقاتل ائمه معصومین (علیهم السلام).

۳) زدودن خرافات و تحریفات پدید آمده و رفتارهای موهن و خلاف موازین در زمینه مراسم و برنامه‌های سوگواری.

۱/۳) بررسی و انجام مطالعات پیرامون خرافات و بدعت‌ها در نحوه شکل‌گیری و چگونگی نفوذ آن در مراسم و مجالس سوگواری و راه‌های مقابله و رفع آن.

۲/۳) برگزاری جلسات کارشناسی و کارگاه‌های آموزشی مستمر با مداحان، روضه‌خوانان و مسئولین هیئت‌های مذهبی توسط سازمان تبلیغات اسلامی و صدا و سیما جمهوری اسلامی.

۴) شناسایی و مقابله ریشه‌ای با عناصر و جریان‌های سازمان یافته و منحرف تأثیرگذار در مراسم سوگواری ائمه معصومین (علیه السلام)، به ویژه سالار شهیدان (علیه السلام).

۱/۴) شناسایی عناصر منحرف و برنامه‌ریزی برای مواجهه مناسب و قانونی با آنان و خطوط فکری جریان‌های سازمان یافته و هدایت شده، همچنین مقابله سنجیده و مؤثر با آنها با همکاری دستگاه‌های مسئول قضایی و امنیتی کشور.

۲/۴) استفاده از ظرفیت اعزام مبلغ در جهت روشنگری و بدعت‌زدایی

۵) ایجاد ساز و کارهای مناسب جهت ساماندهی و تقویت هیئت‌های مذهبی، مداحان، مدیحه‌سرایان و نهادهای متصدی امر عزاداری.

۱/۵) تجلیل از خادمان فرهنگ عاشورایی، اعم از سخنرانان، مداحان، شاعران، نویسندگان و مسئولین هیئت‌های مذهبی.

۲/۵) انتشار نشریه تخصصی به صورت مستمر ویژه هیئت‌های مذهبی به منظور تقویت ارتباط و انتقال مفاهیم و موضوعات لازم و نیز متون و مقاتل معتبر.

۳/۵) پشتیبانی و تغذیه فکری مبلغین و سخنرانان مذهبی

### فصل دوم: اجرا

۱) سازمان تبلیغات اسلامی موظف است با همکاری دستگاه‌های دولتی و غیردولتی، به ویژه سازمان صدا و سیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی، و نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، نسبت به اجرای سیاست‌ها و خطوط مشی فوق اقدام و گزارش آن را سالانه به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه نماید.

۲) ادارات کل استانی سازمان تبلیغات اسلامی موظف اند سالانه گزارش برنامه‌های خود را در جهت تحقق ساماندهی شئون فرهنگی مراسم سوگواری تهیه و برای بررسی و تصمیم‌گیری متناسب با منطقه، در چارچوب این طرح، به شورای فرهنگ عمومی استان ارائه نمایند. سازمان تبلیغات اسلامی نیز مکلف است گزارش کلان‌کشی را به شورای عالی انقلاب فرهنگی جهت بررسی و تصمیم‌گیری‌های تکمیلی و روزآمد ارائه نماید.

\*\*\*\*\*

منبع

- «تبلیغ در محرم الحرام از دیدگاه رهبر معظم انقلاب»، نشریه پیام مبلغ، شماره ۶، بهار و تابستان ۱۳۹۰.
- «گزیده مصوبات جدید: قمه‌زنی رفتار موهن و غیر معقول»، نشریه قضاوت، شماره ۴۵، خرداد و تیر ۱۳۸۶.
- بیدهندي، ناصر، «بایدها و نبایدها در عزاداری»، نشریه فرهنگ کوثر، شماره ۷۲، زمستان ۱۳۸۶.
- عرفانی فر، داوود، «عزاداری بر اهل بیت (علیهم السلام): آسیب‌ها و بایستگی‌ها»، نشریه مبلغان، شماره ۹۹.

جذب فارغ‌التحصیلان علوم انسانی در حوزه بازی‌های رایانه‌ای



آسیب‌های اجتماعی تلفن همراه برای فرزندان

